زمينه‏ سازى تربيتى مهدويت

معرفت سال بيستم ـ شماره 160 ـ فروردين 1390، 73ـ96

محمد احسانى\*

چكيده

اين مقاله نظر به اهميت مسئله مهدويت كه از مسائل مهم روز جامعه است، و ارتباط مستقيم با زندگى فردى و اجتماعى بشر دارد، موضوع مهدويت را با نگاه تربيتى بررسى كرده است. سه ديدگاه در باب مهدويت مطرح شده كه با نقد ديدگاه برون‏دينى و درون‏دينى مبتنى بر نظريه غالب اهل‏سنت، ديدگاه درست به اين موضوع با استناد به آيات و روايات تبيين شده است.

عمده هدف تحقيق اثبات اثربخشى مهدويت‏باورى در زندگى فردى و اجتماعى امروز جامعه انسانى بوده است كه آثار اعتقاد به ظهور مهدى عليه‏السلام در پاسخ به انديشه ناكارآمد جلوه دادن اين باور، به خوبى تبيين شده است. اين آثار تربيتى اقتضا مى‏كرد كه مبانى رفتار مهدى عليه‏السلامدر عصر ظهور نيز به لحاظ تربيتى بررسى شود و اين كار با استناد به قرآن، سنت و سيره پيامبر اكرم صلى‏الله‏عليه‏و‏آله در اين مقاله انجام گرفته است.

در اين تحقيق از اسناد و مدارك با روش تحليلى ـ توصيفى جهت نيل به هدف پيش‏گفته در فضاى كتابخانه استفاده شده است. بدين طريق كه اطلاعات موردنياز از منابع مربوط به مهدويت، تعليم و تربيت و تفاسير قرآن كريم جمع‏آورى شده و با يافته‏هاى علوم تربيتى به تجزيه و تحليل و استنتاج پرداخته است.

مهم‏ترين يافته‏هاى اين تحقيق، اثبات نياز جامعه امروز به مهدويت و دست‏يابى به وظايف تربيتى در سه گروه: فرد، خانواده و حكومت اسلامى نسبت به زمينه‏سازى ظهور مهدى عليه‏السلام است. نظر به اين وظايف، همه مردم اعم از افراد، خانواده‏ها و نهادهاى اجتماعى در ارتباط با زمينه‏سازى مهدويت مسئوليت دارند و بايد به وظيفه‏شان عمل نمايند.

كليدواژه‏ها: مهدويت، تربيت، زمينه‏سازى، اثر تربيتى، فرد، خانواده، حكومت، وظيفه تربيتى.

مقدّمه

مهدويت از مسائل اساسى روز در گذشته و حال بوده و هست و فراتر از افق زمان و مكان در هر شرايطى قابل بررسى مى‏باشد؛ زيرا مهدويت ريشه در فطرت انسان دارد و با خميرمايه وجود آدمى عجين گشته است. به گونه‏اى كه در طول تاريخ، حتى پيش از اسلام اجمالاً مردم به منجى جهانى دل بسته بودند و امروزه نيز ميليون‏ها انسان محروم و مظلوم در انتظار آينده درخشان و فارغ از ظلم و ستم لحظه‏شمارى مى‏كنند. اين آرزوى كهن و سابقه‏دار چه زمانى به آخر مى‏رسد و آن عزيز دور از نظر، چه زمانى دل‏هاى پريشان را آرامش مى‏بخشد؟ بايد منتظر بود.

قرآن كريم نويدهايى به انسان مى‏دهد كه سرانجام خوبى پيش‏روى جامعه است، آينده مطمئن، با رفاه و آرامش، بدون اضطراب و دغدغه‏هاى فكرى. چنين سرنوشتى در انتظار بشر است و اين امر بى‏شك به دست مهدى موعود (عج) رقم خواهد خورد. رسيدن به مدينه فاضله امام مهدى عليه‏السلام همانند ديگر تحولات اجتماعى نيازمند آمادگى و زمينه‏سازى است كه مى‏بايست برنامه‏ريزى كرد و شرايط لازم را براى تحقق آن فراهم آورد.

هرچند به صورت عام در باب منجى و مصلح جهانى و به صورت خاص درباره ظهور مهدى موعود آثار قلمى زيادى نوشته شده، به گونه‏اى كه كتاب‏ها و مقالات قديم و جديد در اين موضوع قابل شمارش و بررسى نمى‏باشد. همچنين در زمينه شخصيت و صفات مهدى موعود، علائم ظهور، حكومت مهدى عليه‏السلام و امثال آن، منابع زيادى در اختيار است، ولى در خصوص زمينه‏سازى مهدويت و ظهور مهدى (عج) با نگرش تربيتى اثرى تدوين نشده و از اين نظر جاى بحث و پژوهش دارد كه با رويكرد تربيتى به موضوع زمينه‏سازى مهدويت نگرسته شود و تحقيقى هرچند مختصر در اين مورد صورت گيرد.

به منظور روشن شدن ضرورت مطلب و نو بودن موضوع مقاله به چند اثر در باب مهدويت اشاره مى‏كنم تا جنبه نوآورى نوشتار معلوم گردد. يكى از آثارى كه در زمينه مهدويت نوشته شده كتاب ارزشمند منتخب الاثر فى الامام الثانى عشر، تأليف آيت‏اللّه لطف‏اللّه صافى گلپايگانى است. اين كتاب روايات در باب مهدويت را از منابع شيعه و سنى جمع‏آورى كرده و اثر مفيد و قابل استفاده است. سوداى روى دوست از ديگر آثار مربوط به حضرت مهدى عليه‏السلاماست كه اخيرا توسط دكتر مرتضى آقاتهرانى تدوين شده و به بررسى ارتباط، عوامل ارتباط، موانع ارتباط و سالكان خالص حضرت مهدى پرداخته است. راه وصال از ديگر كتاب‏هايى است كه در زمينه مهدويت و راه رسيدن به محضر مهدى عليه‏السلام به رشته تحرير درآمده و برخى از وظايف مؤمنان در زمان غيبت را بيان كرده است. همچنين كتاب‏هاى ديگرى1 نيز در ارتباط با مهدويت وجود دارند كه نياز به ذكر آنها نيست.

با مطالعه آثارى كه تاكنون در زمينه منجى جهانى و موضوع مهدويت تدوين شده به اين نتيجه رسيديم كه هيچ‏كدام از آنها با نگاه تربيتى به موضوع نپرداخته‏اند. اغلب اين كتاب‏هاى تاريخ ولادت، غيبت صغرى، غيبت كبرى، نواب خاص، حكومت مهدى و امثال آن را از نظر روايات بحث كرده‏اند. بنابراين، نوآورى مقاله حاضر نسبت به آثار موجود در اين است كه با رويكرد تربيتى به موضوع مهدويت پرداخته و زمينه‏سازى ظهور را از نظر تربيتى در نهاد خانواده و جامعه به بحث كشيده است.

پرسش اصلى پژوهش در ارتباط با مهدويت اين است كه امروزه باور به ظهور مهدى عليه‏السلام چه آثارى در زندگى انسان دارد؟ هريك از افراد، خانواده و حكومت اسلامى از نظر تربيتى چه وظايفى‏نسبت‏به‏زمينه‏سازى‏مهدويت دارند؟

سؤالات فرعى نوشتار عبارت‏اند از:

1. ديدگاه درست نسبت به مهدويت كدام است؟

2. مبانى تربيتى رفتار مهدى عليه‏السلام در حكومت عدل جهانى كدام‏اند؟

دغدغه‏هاى زيادى نسبت به مسئله مهدويت وجود دارند، هم در افكار عالمان و انديشمندان و هم در اذهان توده مردم و بخصوص نسل جوان. موافقان و مخالفان مهدويت، از دير زمان در هر دو گروه بوده و هست و امروزه نيز در هر جاى دنيا مشاهده مى‏شود. ديدگاه‏هايى در باب مهدويت و انقلاب جهانى امام مهدى مطرح و در مراكز علمى مورد توجه است كه هر فرهيخته‏اى را به تكاپو وامى‏دارد تا ضمن آشنايى با آن ديدگاه‏ها به نقد علمى و منصفانه آن بپردازد؛ چراكه نظريات علمى پيامدهاى رفتارى به دنبال دارد و بازتاب آن، واكنش‏هايى را در اجتماع پديد مى‏آورد و ممكن است به تحيّر و سردرگمى برخى جوانان منجر گردد.

نظر به طرح بحث و پرسش‏هاى موضوع، مى‏توان گفت چهارچوب كلى تحقيق يك روند نظرى ـ كاربردى دارد كه بررسى ديدگاه‏ها، رابطه مهدويت با تربيت و تبيين مبانى تربيتى رفتار مهدى عليه‏السلام بخش نظرى مقاله و بيان آثار تربيتى مهدويت‏باورى و وظايف تربيتى هر كدام از فرد، خانواده و حكومت نسبت به زمينه‏سازى مهدويت، بخش كاربردى آن را تشكيل مى‏دهند.

روش انجام هر تحقيقى از اين دست كه اغلب با منابع و متون اسلامى سروكار دارد، روش اسنادى با استفاده از شيوه تحليلى ـ توصيفى است كه ظرف اجراى آن، فضاى كتابخانه مى‏باشد و نيازى به پژوهش ميدانى و اطلاعات آمارى ندارد.

مفهوم‏شناسى

تربيت

واژه «تربيت» از ريشه «ربب» به معناى مالك و سرپرست2 يا «ربو» به مفهوم زيادتى، رشد، نمو و نگه‏دارى، آمده است.3 هرچند واژه «تربيت» به اين شكل در قرآن به كار نرفته، ولى مشتقات آن با هيئت‏هاى ديگر در آيات متعدد قرآن به كار رفته است كه به نوعى تربيت به معناى اصطلاحى، يعنى پرورش جسمى و روحى و معنوى را مى‏رساند. راغب اصفهانى در مفردات مى‏گويد: «رب» در اصل تربيت به معناى ايجاد چيزى است به صورت تدريجى و گام به گام تا آن چيز به حد كمال مطلوب خود برسد.4 حسن مصطفوى در التحقيق فى كلمات القرآن الكريم پس از نقل سخنان واژه‏شناسان، به اين نكته اشاره مى‏كند كه ماده «رب» در اصل به معناى سوق دادن چيزى در جهت كمال و رفع نواقص، به شيوه زدودن و آراستن است. اين مفهوم مصاديقى مختلف دارد و در باب اعتقادات، معارف، اخلاق، آداب و امثال آن كاربرد دارد.5 بر اين اساس، تربيت كه مصدر باب «تفعيل» است و معناى فاعلى دارد، ارتباط نزديكى با مفهوم «رب» پيدا مى‏كند؛ زيرا به قول راغب، «رب» نيز مصدر است و مستعار براى فاعل؛ يعنى به مربى و كسى كه فرايند تربيت را در عمل اجرا مى‏كند، «رب» گفته مى‏شود. هر جا واژه «رب» در قرآن به كار رفته به معناى تربيت‏كننده و پرورش‏دهنده است و اين كلمه به صورت مطلق فقط بر خداى متعال اطلاق مى‏شود.6

مهدويت

اين كلمه به لحاظ واژه‏شناسى، از ريشه «هَدَى» گرفته شده و مصدر جعلى مهدى (اسم مفعول) به معناى «هدايت‏شده» است.7 اصطلاح «مهدويت» به مكتب‏هايى اطلاق مى‏شود كه شاخصه اصلى آن، اعتقاد به دوره آخرالزمان و انتظار ظهور منجى و نجات‏دهنده خاصى به نام امام مهدى عليه‏السلاماست.8 تفكر مهدويت در فرهنگ تشيع از جايگاه ويژه‏اى برخوردار است؛ چراكه از امتيازات برجسته مذهب شيعه باور به ظهور دوازدهمين امام معصوم از تبار على عليه‏السلام و فاطمه زهرا عليهاالسلام مى‏باشد. اين انديشه به قدرى عميق و گسترده است كه از صدر اسلام تاكنون وجود داشته و هر روز بر تجلّى آن افزوده شده و حتى پيروان ديگر اديان نيز با گرايش به آن، به آمدن منجى جهانى دل بسته‏اند. منظور از مهدويت در اين نوشتار، باور به ظهور و قيام امام مهدى موعود عليه‏السلاماست كه مصداقى معين دارد9 و يقينا روزى خواهد آمد و اين جهان ظلمانى را با نور جمالش منور خواهد ساخت.

ديدگاه‏ها در باب مهدويت

هرچند بحث مهدويت و نظريات در ارتباط با آن فراوان است و بررسى مفصلى را مى‏طلبد و در اين نوشتار نمى‏توان به همه آنها پرداخت، ولى از باب اينكه زمينه‏اى براى ارائه مقاله‏اى كامل‏تر فراهم گردد، به اشاره اجمالى در اين مورد بسنده مى‏كنيم. از اين‏رو، ديدگاه‏هاى مهدويت را به دو دسته كلى «برون‏دينى» و «درون‏دينى» تقسيم و به اختصار از آن عبور مى‏نماييم. پيش از ورود در اين بحث، تذكر اين نكته لازم مى‏نمايد كه محور تقسيم ديدگاه‏هاى مربوط به مهدويت، دين اسلام است و منظور از برون‏دينى اديان غيراسلامى، اعم از زرتشت و يهود و مسيحيت و امثال آن، و منظور از درون‏دينى گرايش‏هاى مذهبى داخل حوزه اسلام است.

الف. ديدگاه‏هاى برون‏دينى10

در اين فراز از سخن، براى رعايت اختصار، از بررسى جداگانه اديان چشم‏پوشى نموده و به طرح كلى آنها اكتفا مى‏كنيم. آنچه از متون دينى مربوط به اديان مختلف مانند زرتشت، يهود، مسيحيت و حتى مكتب‏هاى غيردينى نظير آيين هندو، بودا و امثال آن برمى‏آيد، آن است كه انديشه منجى‏گرايى و باور به يك نجات‏دهنده در آخرالزمان وجه مشترك همه آن آيين‏هاست؛11 چراكه اميد به آينده بهتر جزو سرشت انسان است و در نهاد هر فرد وجود دارد. اگر اميد به آينده نباشد، تحرك و فعاليتى نخواهد بود؛ در نتيجه، زندگى بشر از تعالى و پيشرفت بازمانده، دچار اختلال و به هم‏ريختگى مى‏شود.

در آيين زرتشت به سه موعود اشاره شده كه منظور از همه آنها موعود آخرالزمان است.12 يهوديان كه خود را پيروان حضرت موساى كليم عليه‏السلاممى دانند نيز منتظر موعودند. در كتب مختلف آنها به موعود اشاره شده و آمدن منجى كل را انتظار مى‏كشند. يهوديان چون به حضرت مسيح عليه‏السلام ايمان نياوردند، قطعا منجى مورد اعتقاد آنها نيامده و در آخرالزمان خواهد آمد. در آيين يهود چهره سه منجى ترسيم شده است: مسيح عليه‏السلام، محمّدبن عبداللّه صلى‏الله‏عليه‏و‏آله و مهدى موعود عليه‏السلام.13 دين مسيح به علت قرب زمانى به اسلام و ظهور مهدى عليه‏السلام، اشارات روشن‏ترى به مهدويت دارد.14 در يكى از اناجيل مورد قبول مسيحيان ضمن وصاياى مسيح عليه‏السلامبه شمعون آمده است: اى شمعون، خداى به من فرمود: «تو را وصيت مى‏كنم به سيد انبيا كه بزرگ فرزندان آدم و پيمبر امّى عربى است و بيايد ساعتى كه فرج قوى‏گردد و نبوت بسيار شود و مانند سيل جهان را بركند.»15 از اين وصيت برمى‏آيد كه دين مسيح آمدن پيامبر اسلام صلى‏الله‏عليه‏و‏آله را تقويت‏كننده فرج نهايى مى‏داند كه همان ظهور حضرت مهدى عليه‏السلام مى‏باشد.

نقد: آنچه از متون اديان غيراسلامى نتيجه مى‏شود، باور به وجود منجى آخرالزمان است كه اجمالاً بدان معتقدند. اين باور، به لحاظ تربيتى قابل توجه است؛ زيرا همان مصلح‏باورى و انتظار آمدن منجى كل در آخرالزمان كه در همه اديان يادشده مشاهده مى‏شود، نكته مثبتى است و برخى آثار تربيتى را كه بعدا بدان اشاره خواهد شد، دارد؛ چه اينكه اميد به آينده بهتر و مطمئن در هر آيينى باشد، عامل تحرك، پويايى، فعاليت و پيشرفت و تكامل مادى و معنوى بشر است.

با اين حال، هيچ‏يك از اديان و مكتب‏هاى فكرى تصوير روشنى از چهره موعود آخرالزمان ارائه نداده و به صرف اشاره كلى بسنده كرده‏اند. آيين زرتشت به صورت اجمال به مصلح كل اشاره كرده و چند نفر را احتمال داده است. دين يهود نيز سخن از سه موعود به ميان آورده و آيين مسيح هم به اجمال از آن گذشته و يا به ظهور دوباره مسيح معتقد است. به هر صورت، هيچ‏كدام ترسيم درستى از شخص موعودى كه انتظار آمدن او را دارند، ارائه نداده‏اند. چنين باورى هرچند آثار مثبتى به همراه دارد، ولى به لحاظ روحى و روانى كافى و قانع‏كننده نيست. باور به يك موعود مبهم و بدون تشخص، آن اميدوارى فطرى را كه در نهاد هر كس وجود دارد، تقويت و اشباع نمى‏كند؛ زيرا اميد به شخصيت معين و چهره مشخص است كه عطش روحى و روانى انسان را برطرف مى‏كند. تجربه نشان داده است كه عطش را آب عينى و معين فرو مى‏نشاند، نه آب كلى و ذهنى. از اين‏رو، اديان غيراسلامى هرچند در اصل مهدويت‏باورى مشتركند، ولى برنامه مشخصى را در اين زمينه ارائه نداده‏اند.

تنها دين اسلام است كه تصوير روشن و مشخصى از موعود آخرالزمان ارائه داده و برنامه‏هاى او را با تمام خصوصيات بيان داشته است. هرچند قرآن نيز به صورت كلى به مصلح جهانى اشاره كرده و از فرد معينى نام نبرده است، ولى برنامه‏هاى او را در آيات متعددى مورد توجه قرار داده است. آنچه از منابع اسلامى در اين مورد به وضوح سخن گفته، روايات معصومان: است. سعيدبن جبير از عبداللّه‏بن عبّاس روايت كرده است كه پيامبر اكرم صلى‏الله‏عليه‏و‏آله فرمود: «خلفا، اوصيا و حجت‏هاى الهى بر مردم بعد از من دوازده نفرند. اول آنان برادر و آخر ايشان فرزندم هستند. عرض كردند: يا رسول‏اللّه صلى‏الله‏عليه‏و‏آلهبرادرت كيست؟ فرمود: على‏بن ابيطالب عليه‏السلام. پرسيدند: فرزندت چه كسى است؟ فرمود: مهدى؛ آن كسى كه زمين را پس از آنكه پر از ظلم و ستم شده باشد، مملو از عدل و داد كند.»16

ب. ديدگاه‏هاى درون‏دينى17

مقصود از ديدگاه‏هاى درون‏دينى، نظرياتى است كه در درون حوزه اسلام نسبت به مهدويت ابراز شده‏اند. اين ديدگاه‏ها بيشتر ناظر به سخنان علماى اهل‏سنت است كه احيانا در اين زمينه بياناتى داشته‏اند.18 از بررسى‏هاى انجام‏شده برمى‏آيد كه اهل‏سنت درباره مهدويت فراوان كار كرده‏اند؛ چراكه كتاب‏هاى زيادى از علماى اهل‏سنت با عناوين مختلف در باب مهدويت وجود دارند. كتاب‏هاى روايى، مناقب مهدى، احوال و اخبار مهدى، علايم ظهور مهدى و امثال آن، از دانشمندان اهل‏سنت در اختيار است.19 از اين آثار به دست مى‏آيد كه مذاهب اهل‏سنت به مهدويت ايمان داشته و ظهور منجى آخرالزمان را انتظار دارند.20

بنابراين، اصل اعتقاد به ظهور مهدى مورد اتفاق شيعه و سنى است و بسيارى از اوصاف مهدى كه در منابع فريقين آمده نيز مشترك هستند. تفاوت ديدگاه اهل‏سنت با تشيع در تعيين مصداق منجى است كه برخى سنيان مى‏گويند: امام مهدى هنوز متولد نشده است. او هر زمان به دنيا آيد قيام خواهد كرد.21 اما عده قابل توجهى از علماى اهل‏سنت معترف به ولادت امام مهدى عليه‏السلامهستند و در آثار خود بدان تصريح كرده‏اند.22

نقد: تشكيك بعضى از دانشمندان اهل‏سنت درباره ولادت امام مهدى عليه‏السلامهمان‏گونه كه از سخنان بسيارى از عالمان منصف پيروان مذاهب تسنن برمى‏آيد، قابل قبول نيست؛ زيرا تولد مهدى عليه‏السلام در تاريخ معين و از پدر و مادر مشخص چيزى است كه در تاريخ شيعه و سنى نقل شده و به هيچ وجه قابل انكار نيست.23 چنان‏كه سليمان قندوزى بلخى در ينابيع المودة آورده است: «ولد لابى محمد الحسن مولود فسماه محمدا، فعرضه على‏اصحابه يوم الثلاث و قال: هذا امامكم من بعدى و خليفتى عليكم و هو القائم عليه‏السلام»؛24 فرزندى براى ابى‏محمّد حسن عسكرى عليه‏السلام متولد شد كه او را محمّد نام‏گذارى كرد. روز سوم او را بر اصحابش عرضه داشت و فرمود: اين امام شما بعد از من و جانشين من بر شما و او قائم به [حق ]است.

ج. نگاه درست به مهدويت

همان‏گونه كه اشارت رفت، انديشه مهدويت از ديرزمان وجود داشته و آيين‏هاى مختلف دنيا به نوعى بدان معتقد بوده و موضوع مهدويت‏باورى تاكنون روند رو به تكاملى خود را طى كرده است. اسلام بيش از ديگر اديان به اين مسئله پرداخته و ضمن ارائه تصويرى روشن از مهدويت، آينده درخشانى را در جلوى بشر قرار داده است. قرآن كريم به عنوان مهم‏ترين منبع آيين اسلام وعده‏ها و بشارت‏هاى اطمينان‏بخشى به جامعه انسانى داده است. خداوند در اين زمينه مى‏فرمايد: «وَنُرِيدُ أَن نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»(قصص: 5)؛ اراده و مشيت ما بر اين قرار گرفته است كه بر مستضعفان در زمين منت نهيم و آنها را مشمول مواهب خود نماييم، و آنها را پيشوايان و وارثان روى زمين قرار دهيم. به نوشته تفسيرنويسان، اين آيه حكومت جهانى را بشارت داده و مستضعفان را وارثان كره زمين معرفى مى‏كند.25

قرآن مجيد در موارد مختلف با قاطعيت تمام، پيروزى نهايى ايمان اسلامى26 و آينده درخشان و سعادت‏مندانه بشريت27 را نويد داده است.28 آينده‏اى با امنيت كامل، رفاه عمومى، عدالت فراگير و نشاط و شادابى تنها از آنِ اسلام و قرآن مى‏باشد كه اين وعده قطعى را به جامعه انسانى داده است. مشخصات مهدى موعود در روايات نبوى و سخنان ديگر معصومان عليهم‏السلام به تفصيل بيان شده است؛ از جمله اينكه او از تبار على عليه‏السلامو فاطمه عليهاالسلام و فرزند امام حسن عسكرى عليه‏السلاممى باشد. براساس منابع تاريخى، امام مهدى عليه‏السلام در 15 شعبان سال 255 هجرى قمرى در شهر «سرّمن رأى» از مادر29 متولد شد، مدت پنج تا شش سال همراه پدر زندگى كرد و پس از آن طبق مشيت خداى متعال، از نظرها پنهان و غايب گرديد.30

تحقق قطعى مهدويت

مسئله مهدويت از نظر تاريخى حتى پيش از اسلام در دين يهود و مسيح و ديگر اديان نيز مطرح بوده و در اسلام به صورت گسترده و عميق بدان توجه شده است؛ چون اعتقاد به مهدى موعود، از مسائل اساسى‏اسلام است و ريشه در قرآن كريم دارد. اين كتاب آسمانى با قاطعيت تمام، پيروزى حق بر باطل و قيام حضرت مهدى عليه‏السلام را به تمامى انسان‏ها نويد مى‏دهد.31 خداوند مى‏فرمايد: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُم فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُوْلَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»(نور: 55)؛ خدا به كسانى از شما كه ايمان آورده و كارهاى شايسته كرده‏اند، وعده داده است كه حتما آنان را در اين سرزمين، جانشين [خود ]قرار دهد؛ همان‏گونه كه كسانى را كه پيش از آنان بودند، جانشين [خود ]قرار داد. و آن دينى كه برايشان پسنيده است، به سودشان مستقر كند و بيمشان را به امن مبدل گرداند [تا] مرا عبادت كنند و چيزى را با من شريك نگردانند و هر كس پس از آن به كفر گرايد؛ آنانند كه نافرمانند. اين وعده الهى به مؤمنان و بندگان صالح كه خلافت زمين را به آنها واگذار كند، امرى است قطعى و يقينا روزى محقق خواهد شد.

بر اين اساس، خداوند وعده داده است كه مؤمنان را خليفه خود بر زمين قرار دهد و دينى مورد رضاى خويش را در زمين مستقر كند؛ ترس و بيم را بكلى از ميان مردم ريشه كن سازد تا در گستره گيتى تنها خدا عبادت شود. اين وعده الهى هنوز محقق نشده و طبق احاديث اسلامى، با ظهور حضرت مهدى عليه‏السلامجامه عمل خواهد پوشيد؛ چون وعده الهى قطعى است و خداوند خلاف آن عمل نمى‏كند: «وَعْدَ اللَّهِ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ.»(روم: 6) با اين حال، كسانى بوده و هستند كه در مورد مهدويت و حكومت جهانى حضرت مهدى عليه‏السلام شك دارند و نسبت بدان، ايجاد شبهه و ترديد مى‏كنند و بدين طريق، مى‏خواهند، انديشه مهدويت را دچار تزلزل نمايند و در نهايت به خواسته‏هاى خود برسند، اما غافل از اينكه خداوند نور خود را كامل خواهد كرد.32 در تفسير آيه گفته‏اند: وقتى حضرت مهدى قيام كرد، دين را بر همه مردم دنيا عرضه مى‏كند تا غير از خدا كسى پرستيده نشود.33

روايات در منابع شيعه و سنى بر ظهور قطعى مهدى عليه‏السلام بيش از آن هستند كه بتوان آنها را در يك مقاله گرد آورد. براى نمونه، به يك روايت كه يوسف‏بن يحيى المقدسى الشافعى آن را در كتاب عقد الدرر فى اخبار المنتظر نقل كرده است بسنده مى‏شود. عبداللّه‏بن عمر از رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏و‏آلهروايت كرده است كه آن حضرت فرمود: «لاتقوم الساعة حتى يخرج المهدى من ولدى»؛34 قيامت واقع نشود تا اينكه فرزندم مهدى عليه‏السلام ظهور كند.

رابطه مهدويت و تربيت

نخستين سؤالى كه به ذهن تداعى مى‏كند، اين است كه مهدويت چه ارتباطى با تربيت دارد؟ آنچه نخست از بحث مهدويت در ذهن مى‏رسد، جنبه كلامى و اعتقادى آن است؛ بدين معنا كه مهدويت در انديشه شيعى، يعنى اعتقاد به امام مهدى (عج) به عنوان منجى جهانى كه روزى ظهور خواهد كرد و نابسامانى‏ها را از پهنه گيتى برخواهد داشت. همين باور، ابعاد گوناگونى دارد كه بعد تربيتى از جنبه‏هاى مهم آن است؛ زيرا مهدى‏باورى، صرفا يك مسئله‏اى اعتقادى نيست، بلكه تحولات گوناگون هيجانى، عاطفى، احساسى، و رفتارى را در فرد ايجاد مى‏كند و او را برمى‏انگيزد تا خود را براى ياورى امام مهدى (عج) مهيا سازد؛ چراكه يك منتظر واقعى، به لحاظ روحى و روانى هر لحظه آماده حركت و قرار گرفتن در كنار حضرت مهدى (عج) است تا تحت فرمان آن امام بزرگوار، خدمت كند.35

بنابراين، مهدويت و تربيت از دو جهت ارتباطى نزديك و پيوندى عميق با هم دارند: از يك‏سو، تربيت صحيح، زمينه‏ساز ظهور حضرت مهدى عليه‏السلاماست كه مى‏توان با پرورش نيروهاى مخلص و معتقد به مهدويت، زمينه قيام آن حضرت را فراهم كرد؛ چون يكى از توصيف‏هايى كه از ياران امام مهدى عليه‏السلامدر قرآن كريم آمده، «بندگان صالح خدا»36 است. بندگان شايسته خدا انسان‏هايى هستند، تربيت‏يافته مكتب اهل‏بيت عليهم‏السلامكه با معارف و اخلاق آنها رشد كرده‏اند. از اين‏رو، رسيدن به درجه قرار گرفتن در زمره اصحاب امام زمان عليه‏السلام، تربيت اسلامى و قرآنى مى‏خواهد كه بر اساس آن، انديشه، اخلاق و رفتار صحيح را بايد به جامعه ارائه داد تا افراد صالحى از ميان اجتماع پديد آيند و صلاحيت يارى حضرت مهدى عليه‏السلام را كسب نمايند. چنين كارى نيازمند برنامه‏ريزى صحيح تربيتى و رفع موانع پرورش معنوى از جامعه است تا زمينه رشد روحى افراد مستعد فراهم گردد و بدين‏وسيله به تدريج زمينه ظهور مهدى عليه‏السلامآماده شود.

از ديگر سو، بر اساس روايات متعددى كه از رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏و‏آلهو ائمه اطهار عليهم‏السلام رسيده است، با ظهور مهدى موعود (عج) تربيت الهى و معنوى در عصر ظهور آن حضرت به بالاترين سطح خود مى‏رسد و انحرافات اخلاقى بكلى از بين مى‏رود. در اين زمينه روايات متعددى وجود دارند مبنى بر اينكه اصحاب مهدى عليه‏السلام در كمترين زمان كره زمين را فتح مى‏كنند و مردم را به دين اسلام فرامى‏خوانند. علاوه بر آنكه مهدى‏باورى، آثار تربيتى فراوانى را بر انسان به همراه دارد؛ مانند اميدبخشى، رفع اضطراب و نگرانى، ايجاد نشاط و شادابى و امثال آن. در نهايت، مى‏توان گفت: رابطه تربيت و مهدويت، رابطه‏اى است دو سويه، هم تربيت بر تحقق مهدويت كمك مى‏رساند و هم مهدى‏باورى ضمن تأثيرات روحى و معنوى بر انسان، پس از تحقق ظهور مهدى عليه‏السلام، تربيت را در مسير صحيح آن قرار مى‏دهد.

مبانى تربيتى رفتار مهدى عليه‏السلام

واژه «مبنا» در لغت به معانى گوناگونى آمده است؛ از جمله: بنياد، شالوده، محل بنا و امثال آن37 كه پايه و اساس چيزى قرار مى‏گيرد. پايه و اساس مفهومى عام دارد؛ ممكن است به لحاظ فيزيكى، روحى و معنوى يا فكرى و نظرى باشد؛ يعنى از نظر فيزيكى چيزى مانند پى‏ريزى ديوار زيربناى ساختمان قرارگيرد يا به لحاظ فكرى و نظرى ـ مثلاً ـ توحيد بنيان انديشه دين و آيينى واقع گردد. در همه اين موارد، معناى لغوى «مبنا» صادق است. منظور از مبانى تربيتى رفتار مهدى عليه‏السلام در حكومت جهانى پس از ظهور،38 پايه‏ها و معيارهاى رفتارى آن حضرت در عصر ظهور است. هرچند مبانى تربيتى زيادى را مى‏توان براى رفتار حكومتى مهدى عليه‏السلام به دست آورد، ولى براى نمونه به چند مورد كه از صريح روايات برمى‏آيد اشاره مى‏شود.

1. قرآن كريم

قرآن كريم، نخستين مبناى رفتار حكومت مهدوى خواهد بود و حضرت براساس معارف و احكام قرآنى عمل مى‏كند؛ چراكه دلايل و شواهد زيادى از سخنان رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏و‏آله و امامان معصوم عليهم‏السلام در توصيف شخصيت و حكومت مهدى عليه‏السلام وجود دارد و بر اين نكته تأكيد مى‏كنند كه قرآن و احكام قرآنى در عصر ظهور آن بزرگوار در سراسر گيتى حاكم مى‏شود. براى نمونه به برخى از آنها اشاره مى‏گردد:

مهدى موعود عليه‏السلام به تصريح احاديث نبوى و همه معصومان عليهم‏السلام آخرين معصوم از تبار على عليه‏السلام و فاطمه عليهاالسلام و تربيت‏يافته مكتب وحى است.39 شخصيت آسمانى و قرآنى مهدى عليه‏السلام، نويددهنده اميد به آينده روشن به بشريت و احياگر احكام الهى است. مهدى عليه‏السلامعدل قرآن و يگانه مجرى قوانين آن، در كره زمين خواهد بود كه با ظهورش حكومت قرآنى را برقرار و نظام عدل جهانى را رهبرى مى‏كند. او در نخستين روزهاى زندگى پس از ولادت، هدفش را به روشنى اعلام و به محرومان عالم وعده پيروزى داد. حكيمه خاتون مى‏گويد: بعد از ولادت مهدى عليه‏السلامپدرش امام عسكرى عليه‏السلام فرمود: فرزندم را بياور. او را از زمين برداشتم، در حالى كه بر ذراع راستش نوشته بود: «جَاء الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقا»(اسراء: 81) نزد پدر بردم. امام عسكرى عليه‏السلام به او فرمود: فرزندم! سخن بگو. وى پس از گفتن «استعاذه» و «بسم اللّه»، آياتى از قرآن تلاوت40 نمود كه اشاره به برنامه‏هاى آينده او بود.41

روايات متعدد نيز دلالت دارند كه عصر ظهور مهدى عليه‏السلام عصر حاكميت قرآن و اجراى دستورات الهى خواهد بود. رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏و‏آله در يكى از سخنانش، ضمن معرفى مهدى عليه‏السلاممى‏فرمايد: «او كسى است كه مردم را به كتاب خدا دعوت مى‏كند.»42 در نتيجه، آنچه از احاديث برمى‏آيد آن است كه قرآن كريم مهم‏ترين مبناى رفتارى مهدى عليه‏السلامدر عصر ظهور است و او براساس دستورات قرآن بين مردم حكم مى‏راند. همان‏گونه كه قرآن مى‏فرمايد: «وَإِذَا حَكَمْتُم بَيْنَ النَّاسِ أَن تَحْكُمُواْ بِالْعَدْلِ»(نساء: 58)؛ آن حضرت نيز با عدل و داد ميان مردم داورى مى‏كند.

2. سيره پيامبر اكرم صلى‏الله‏عليه‏و‏آله

هرچند سيره پيامبر صلى‏الله‏عليه‏و‏آله جدا از قرآن نيست و سيره آن حضرت، در واقع تجلى عملى قرآن است، ولى به دليل تأكيد بر احياى سيره رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏و‏آله در عصر ظهور و نيز تصريح روايات در مورد آن، دومين مبناى رفتار حضرت مهدى، سيره پيامبر صلى‏الله‏عليه‏و‏آله انتخاب شده است.

يكى ديگر از مبانى تربيتى مهدى عليه‏السلام در داورى‏ها و رفتارهاى حكومتى، سيره رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏و‏آله و ساير معصومان عليهم‏السلاماست كه آن حضرت براساس آن رفتار مى‏كند؛ چراكه امام زمان عليه‏السلام وارث همه انبيا و اولياى الهى است كه در دوره فرمان‏روايى سنت آن بزرگواران را زنده خواهد كرد. مفضل بن عمر از امام صادق عليه‏السلامروايت كرده است كه آن حضرت فرمود: «إذا أذن اللّه تعالى للقائم بالخروج صعد المنبر فدعا الناس الى اللّه ـ عزوجل ـ و خوفهم باللّه و دعاهم الى حقه على أن يسير فيهم بسيرة رسول‏اللّه صلى‏الله‏عليه‏و‏آله و يعمل فيهم بعمله»؛43 زمانى كه خداوند به مهدى عليه‏السلاماذن ظهور دهد، بر منبر رود و مردم را به خدا فراخواند و آنها را از خدا بترساند و به حق خودش فراخواند بر اينكه در ميان مردم به سيره و روش رسول‏اللّه صلى‏الله‏عليه‏و‏آلهرفتار خواهد كرد.

علاءبن محمّد از امام باقر عليه‏السلام روايت كرده كه آن حضرت در توصيف رفتار مهدى عليه‏السلامفرمود: «يسير بسيرة ما سار به رسول اللّه صلى‏الله‏عليه‏و‏آلهحتى يظهر الاسلام؛ قلت: ما كانت سيرة رسول‏اللّه صلى‏الله‏عليه‏و‏آله؟ قال: ابطل ما كانت فى الجاهلية و استقبل الناس بالعدل و كذلك القائم إذا قام يبطل ما كان فى الهُدنة مماكان فى ايدى الناس و يستقبل لهم العدل»؛44 مهدى عليه‏السلام به روش رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏و‏آلهعمل مى‏كند تا آنكه اسلام را آشكار سازد. عرض كرد: روش رسول‏اللّه صلى‏الله‏عليه‏و‏آله چگونه بود؟ فرمود: رسول‏اللّه صلى‏الله‏عليه‏و‏آلهآثار كفر جاهليت را از ميان برد و با مردم به عدالت رفتار كرد. مهدى عليه‏السلامنيز موقعى كه قيام كند، اعمال نامشروع و بدعت‏هايى را كه هنگام صلح و سازش با بيگانگان در ميان مسلمانان مرسوم گشته است، از ميان مى‏برد و مردم را به عدالت‏گرى رهبرى مى‏نمايد.

بر اين اساس، سيره رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏و‏آلهمعيار رفتار مهدى عليه‏السلام در اداره حكومت خواهد بود كه طبق روش آن حضرت عمل مى‏كند. همان‏گونه كه پيامبر صلى‏الله‏عليه‏و‏آله آداب و رسوم جاهليت را ابطال كرد، مهدى7 نيز رفتارهاى نادرست پيش از خود را اصلاح خواهد نمود؛ اصلاح باورهاى باطل، اصلاح اخلاق فاسد، اصلاح رفتارهاى انحرافى و ضدعدالت و دادگرى و امثال آن. از بين بردن بدعت‏هاى پديد آمده در حوزه اسلامى و نوآورى‏هاى نامشروع در عرصه زندگى فردى و اجتماعى، از جمله برنامه‏هاى رفتارى مهدى عليه‏السلام در حكومت صالحان خواهد بود.

3. عدالت‏محورى

نظر به تأكيد قرآن بر عدالت، به عنوان مهم‏ترين هدف بعثت انبيا و بخصوص پيامبر اكرم صلى‏الله‏عليه‏و‏آله و نيز سيره رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏و‏آله بر اجراى عدالت اجتماعى، سومين مبناى رفتار حكومت امام مهدى عليه‏السلامدر اين مقاله عدالت‏محورى مى‏باشد. خداوند به بيان هدف بعثت پيامبران مى‏فرمايد: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حديد: 25)؛ ما رسولان خود را با دلايل روشن فرستاديم و با آنها كتاب (آسمانى) و ميزان (شناسايى حق از باطل و قوانين عادلانه) نازل كرديم تا مردم قيام به عدالت كنند. همه انبيا آمدند تا عدالت را در جامعه انسانى اجرا نمايند، ولى اين امر تاكنون به صورت فراگير و جهانى محقق نشده است. تحقق عدل جهانى حكومت جهانى مى‏خواهد كه همه در انتظار آن به سر مى‏برند و آرزوى چنين زمانى را دارند. عصر ظهور مهدى يقينا به اين انتظار پايان داده و عدالت را در سراسر گيتى گسترش خواهد داد. از اين‏رو، عدالت‏محورى مبانى حكومت مهدوى خواهد بود.

مبناى تربيتى مهم ديگر در رفتار مهدى عليه‏السلامعدالت‏محورى در تمام شئون حيات بشرى است كه از مطالب گذشته به روشنى قابل استفاده مى‏باشد؛ زيرا عدالت به معناى واقعى آن هنوز محقق نشده و يا به صورت محدود، مقطعى و منطقه‏اى به اجرا درآمده است. در حالى كه قرآن كريم مكرر به عدل كلى در سطح جهان وعده داده و اين وعده تاكنون تحقق نيافته و انتظار همگان بر آن است كه در عصر ظهور مهدى عليه‏السلام وجود عينى خواهد يافت. از اين‏رو، عدالت پايه كار مهدى عليه‏السلامخواهد بود؛ چون او «رحمه‏للعالمين» و داراى روح لطيف و بزرگى است كه از هر پدر و مادرى به انسان‏ها مهربان‏تر و دلسوزتر مى‏باشد.

امام رضا عليه‏السلام در اين زمينه مى‏فرمايد: «يكون اولى بالناس من انفسهم و اشفق عليهم من آبائهم و امهاتهم و يكون اشدالناس تواضعا للّه ـ عزوجل ـ و يكون آخذ الناس بما يأمر به و أكف الناس عماينهى عنه»؛45 او نسبت به مردم از خودشان اولى‏تر و از پدر و مادرشان مهربان‏تر و در برابر خدا از همه متواضع‏تر است. آنچه به مردم فرمان دهد، خود بيش از ديگران به آن عمل مى‏كند و آنچه مردم را از آن نهى‏كند بيش از همگان خود از آن بپرهيزد. به هر صورت، عدالت‏محورى و دادگرى از مبانى تربيتى رفتار مهدى عليه‏السلام در نظام حكومت صالحان خواهد بود كه در روايات مكرر بدان تأكيد شده است.

آثار تربيتى مهدى‏باورى

بى‏ترديد، انديشه مهدويت، آثار فراوانى به همراه دارد؛ آثارى كه در فرد و جامعه قابل تجربه و ادراك است؛ چه اينكه مسئله مهدويت و بحث درباره امام زمان عليه‏السلام از مسائل زنده روز است و با زندگى فردى و اجتماعى انسان ارتباط نزديك دارد. اعتقاد به ظهور منجى بشر، اين اميد را در آدمى پديد مى‏آورد كه روزى از همه گرفتارى‏ها رهايى يابد و به آغوش گرم امنيت و آرامش بيارامد.

شهيد مطهّرى در اين زمينه مى‏گويد: «انتظار فرج و آرزو و اميد و دل بستن به آينده، نيروآفرين و تحرك‏بخش است و مى‏تواند نوعى عبادت و حق شمرده شود.»46 باور به چنين ايده و انديشه‏اى، يقينا آثار مثبت فراوانى به همراه دارد كه به مهم‏ترين آنها اشاره مى‏شود:

1. اميد به آينده بهتر

از ويژگى‏هاى مهم انسان اميد به آينده است. اين خصوصيت در فطرت آدمى نهفته است و نقش اساسى در زندگى فردى و اجتماعى بشر دارد. آينده‏اى كه از كاستى‏هاى زمان پيراسته و به كمال مادى و معنوى آراسته باشد، تأثير بسزايى در رشد فكر و انديشه و تحول رفتار انسان دارد. از اين‏رو، كتاب‏هاى آسمانى كه براى هدايت بشر و پاسخ‏گويى به نيازهاى او نازل شده، از اين امر غفلت نورزيده و اشاراتى هرچند مجمل بدان داشته‏اند.

زندگى انسان بر محور اميد و آرزو رقم مى‏خورد و اگر اميد را لحظه‏اى از حيات انسان بردارد، ديگر زندگى برايش مفهومى نخواهد داشت. اميد به لحاظ روحى و روانى فرد را از كسالت و تنبلى و بى‏كارى بيرون آورده، نشاط و شادابى در او ايجاد مى‏كند و وى را به فعاليت وامى‏دارد.

از اينجاست كه قرآن كريم همواره به انسان وعده مى‏دهد و آينده بهترى براى او ترسيم مى‏كند تا روحيه اميد در قلب او زنده شود و او را به حركت و فعاليت وادارد. وعده‏هاى قرآن در واقع، همه بر همين اساس شكل گرفته‏اند؛ وعده به آمرزش و پاداش بزرگ،47 وعده به باغ‏ها، نهرهاى جارى و سراهاى پاكيزه در بهشت‏هاى جاويدان،48 وعده خلافت در زمين49 و امثال آن. فلسفه اين‏گونه وعده‏ها در قرآن ايجاد اميد به آينده بهتر و رفع مشكلات از زندگى بشر است. طبيعى است كه وعده‏هاى قرآنى از طرف صادق حكيم صادر شده‏اند و ايجاد انگيزه مى‏كند تا انسان به آن وعده‏ها نايل گردد و هركس تلاش كند تا خود را شايسته بهره‏ورى از نعمت‏هاى الهى سازد.

انديشه مهدويت نيز از چنين ويژگى برخوردار است و انسان را نسبت به آينده اميدوار مى‏كند. رواياتى كه در اين زمينه وارد شده‏اند، ميزان اميدوارى انسان را بالا مى‏برد. در اينجا براى نمونه به يك روايت در توصيف حكومت امام مهدى عليه‏السلاماشاره مى‏كنيم. على‏بن ابراهيم قمى در تفسيرش، ذيل آيه «يُرِيدُونَ لِيُطْفِؤُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ» (صف: 8) مى‏نويسد: «بِالْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ) إِذَا خَرَجَ لَيُظْهِرُهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ حَتَّى لَا يُعْبَدَ غَيْرُ اللَّهِ وَ هُوَ قَوْلُهُ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطا وَ عَدْلاً كَمَا مُلِئَتْ ظُلْما وَ جَوْرا»؛50 هنگام ظهور حضرت قائم آل‏محمّد صلى‏الله‏عليه‏و‏آله خداوند آن‏گونه دينش را آشكار كند كه در زمين جز خدا پرستش نشود و اين، معناى كلام رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏و‏آلهاست كه فرمود: پس از قيام مهدى موعود عليه‏السلامخداوند زمين را پر از عدل و داد كند، چنان‏كه پر از ظلم و ستم شده است. توجه به چنين حكومتى، روح اميد را در كالبد انسان مى‏دمد و فعاليت او را چند برابر مى‏سازد.

2. اميد به امنيت

قتل و غارت و ناامنى در بسيارى از كشورهاى جهان آسايش مردم را سلب كرده و روزهاى سختى را براى آنان به ارمغان آورده است. مردم كشورهايى نظير فلسطين، عراق، افغانستان و پاكستان كه هر روز شاهد حملات بيگانگان هستند، به يقين آرزويى جز امنيت فردى و اجتماعى ندارند تا بدون اضطراب و نگرانى در كنار زن و فرزندان خويش آرام گيرند. باور به آمدن مهدى موعود عليه‏السلام و تحقق امنيت در جامعه، اين تأثير را در روح و روان مردم آن كشورها ايجاد مى‏كند كه به اميد بهبود اوضاع در آينده، زندگى با نشاط‏ترى داشته باشند. آيات و روايات فراوانى كه در اين خصوص وارد شده است، مردم را به فعاليت و تلاش در جهت نيل به هدف سوق مى‏دهد.

خداوند در قرآن وعده به امنيت داده مى‏فرمايد: «وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنا»(نور: 55)؛ و بيمشان را به ايمنى مبدّل گرداند. تبديل ترس و بيم به اميد به امنيت آينده، در سايه حكومت مهدى قابل تحقق است و بر اين اساس، انتظار فرج به انسان امنيت فردى و اجتماعى را نويد مى‏دهد. در يكى از خطبه‏هاى اميرالمؤمنين على عليه‏السلامدر توصيف حكومت مهدى عليه‏السلام آمده است كه آن حضرت فرمود: وقتى امام مهدى عليه‏السلام قيام كند، اين كارها را انجام خواهد داد: «لينزعنّ عنكم قضاةَ السُوء و ليعزلنّ عنكم امراءَ الجور و ليطهّرنّ الارض من كل غاشّ و ليعملنّ بالعدل»؛51 شما را از قضات بد نجات خواهد داد؛ حاكمان جور را بر كنار و زمين را از هرگونه افراد نيرنگ‏پيشه پاك و به عدالت رفتار خواهد نمود.

3. اميد به عدالت

به گفته ملّامهدى نراقى، حقيقت عدالت در ناحيه فرد، حاكميت عقل بر قواى بدنى است تا عقل، هر يك از آن قوا را در جهت تأمين مصالح مادى و معنوى به كار گيرد و از بروز اختلال و فساد در نظام جسمانى پيشگيرى نمايد.52 عدالت در نظام اجتماعى نيز به همين معناست كه قدرت و رياست در اختيار حاكمان عادل قرار گيرد تا از پيشامد ظلم و فساد در جامعه جلوگيرى نمايند. اقامه عدالت و دادگرى در جهان چيزى است كه خواسته همه بشريت بوده و هست و اختصاص به دين و آيين، قوم و طايفه و زمان و مكان خاصى ندارد، بلكه هر انسان نيك‏انديشى در تكاپوى عدالت است و آرزوى تحقق آن را در دل مى‏پروراند. به فرموده علّامه طباطبائى، بشر از روزى كه در زمين سكنا گزيده است، پيوسته در آرزوى يك زندگى اجتماعى مقرون به سعادت بوده و به اميد رسيدن به چنين روزى قدم برمى‏دارد.53 قيام مهدى عليه‏السلامدر حقيقت، پاسخى است به آن آرزوى ديرينه بشر كه هنوز وجود خارجى نيافته است.

هرچند عدالت در بخش و ناحيه يا كشور و سرزمينى به صورت محدود، ممكن است برقرار شده باشد، ولى عدالت كلى و جهانى در سطح دنيا هنوز تحقق نيافته است. چنين عدالتى را مستضعفان عالم انتظار مى‏كشند و آرزوى تحقق آن را دارند. قرآن كريم54 و احاديث معصومان عليهم‏السلام55 به اين نوع عدالت وعده داده‏اند. طبق وعده الهى، عدالت وسيع و جهانى با آمدن حضرت مهدى عليه‏السلام محقق خواهد شد. همان‏گونه كه در حديثى از ابوسعيد خدرى آمده است كه رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏و‏آله فرمود: وقتى فرزندم امام مهدى ظهور كند، خداوند قلب‏هاى امت محمّد صلى‏الله‏عليه‏و‏آله را [از معارف خود] پر مى‏كند و عدالت او همه امت را فرامى‏گيرد؛56 يعنى عدالت فراگير و همه‏جانبه كه همه پهنه گيتى را دربر مى‏گيرد و تمام دنيا در سايه حكومت آن حضرت با آرامش زندگى خواهند كرد.

4. اميد به رفع تبعيض

يكى از مسائل مهمى كه عامل رنج و ناراحتى روحى و روانى بشر بوده و هست، وجود تبعيض‏هاى گوناگون در جهان است. تبعيض، يعنى حقوق عده‏اى را ناديده گرفتن و به عده‏اى بيش از حقوقشان امتياز دادن. تبعيض با رنگ‏ها و چهره‏هاى گوناگون در همه دنيا خودنمايى مى‏كند؛ تبعيض نژادى، تبعيض جنسيتى، تبعيض مليتى و منطقه‏اى و... . بار اين‏گونه تبعيض‏ها بر دوش بسيارى از شهروندان ممالك دنيا سنگينى مى‏كند و هر روز بر حجم آن افزوده مى‏گردد. در اينجا سؤال اساسى اين است كه آيا راه برون‏رفت از اين تبعيض‏ها وجود دارد، يا نه؟ و اگر وجود دارد، كى و چگونه؟

بر اساس متون اسلامى كه دلالت قطعى بر موضوع دارند، راه برون‏رفت از مشكلات كنونى جامعه، تنها با ظهور و قيام حضرت مهدى عليه‏السلامامكان‏پذير است. اين وعده قطعى از جانب خداوند متعال داده شده و به وسيله پيامبر اكرم صلى‏الله‏عليه‏و‏آله به مردم اعلام گشته است. آيات مربوط به قيام مهدى عليه‏السلام كه مفسّران با استفاده از روايات معصومان عليهم‏السلام بر همين معنا تفسير كرده‏اند، فراوان هستند و برخى از آنها در لابه‏لاى بحث اشاره شد. در اينجا براى نمونه به يك آيه اشاره مى‏كنيم: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»(انبياء: 105)؛ و در حقيقت، در زبور پس از تورات نوشتيم كه زمين را بندگان شايسته ما به ارث خواهند برد. در تفسير آيه آمده است كه منظور از «عبادى الصالحون» ياران حضرت مهدى عليه‏السلامهستند.

روايات نيز در باب رفع تبعيض به وسيله امام مهدى عليه‏السلامفراوان است. از جمله، ابوسعيد خدرى مى‏گويد: رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏و‏آلهفرمود: «اُبشّركم بالمهدى يبعث فى امّتى على اختلاف من النّاس و زلزالٍ، يملأ الارض عدلاً و قسطا كما ملئت جورا و ظلما، يرضى عنه ساكن السماء و ساكن الارض، يقسم المال صحاحا، اى بالسوية بين الناس و يملأ اللّه قلوب امّة محمّد صلى‏الله‏عليه‏و‏آلهغنى و يسعهم عدله»؛57 آيا شما را بشارت دهم به مهدى عليه‏السلام كه در حال اختلاف امتم و تزلزل روحى و معنوى آنها برانگيخته مى‏شود و زمين را پر از عدل و داد مى‏كند، چنان‏كه از ظلم و جور پر شده است. ساكنان زمين و آسمان از او راضى هستند. مهدى عليه‏السلام ثروت دنيا را ميان مردم بالسويه تقسيم مى‏كند و خداوند به وسيله او دل امت پيامبر اكرم صلى‏الله‏عليه‏و‏آلهرا [از معارف خود ]غنى مى‏سازد و عدالتش همه زمين را فرامى‏گيرد. از اين روايت استفاده مى‏شود كه ظهور مهدى عليه‏السلام پس از اختلافات زياد و تزلزل و ناامنى در ميان مردم خواهد بود كه با قيام آن حضرت همه اختلافات و نابسامانى‏ها برداشته مى‏شود.58

5. اميد به ثواب و پاداش اخروى

انتظار فرج تنها جنبه روحى و روانى ندارد كه صرفا ايجاد اميد به آينده بهتر در فرد كند، بلكه طبق روايات متعدد، انتظار فرج مهدى موعود عليه‏السلام بهترين عبادت است. احاديث در اين زمينه بسيارند كه به چند نمونه اشاره مى‏گردد. در روايتى از امام رضا عليه‏السلامآمده است كه رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏و‏آلهفرمود: «افضل اعمال امّتى انتظار الفرج اللّه (عزّوجل)»؛59 برترين عمل امت انتظار فرج خداى ـ عزّوجل ـ است؛ يعنى ظهور مهدى موعود عليه‏السلام در آخرالزمان. در مواعظ اميرالمؤمنين عليه‏السلام نقل شده است كه آن حضرت در پاسخ به سؤال شخصى كه پرسيده بود: كدام عمل نزد خدا محبوب‏تر است، فرمود: انتظار الفرج؛60 يعنى محبوب‏ترين عمل نزد خدا انتظار فرج است.

منتظران فرج مهدى عليه‏السلام، در برخى روايات به كسانى تشبيه شده‏اند كه در خيمه با آن حضرت حضور خواهند داشت. ابن فضال از على‏بن عقبة، از موسى نميرى، از علاءبن سيابة روايت كرده است كه امام صادق عليه‏السلام فرمود: «من مات منكم على هذا الامر منتظرا له، كان كمن كان فى فسطاط القائم عليه‏السلام»؛61 هركس از شيعيان در حال انتظار ظهور حضرت مهدى عليه‏السلام از دنيا برود، همانند كسى است كه در خيمه آن حضرت حضور داشته باشد. همچنين امام سجاد عليه‏السلامدر حديثى فرمود: «من ثبت على ولايتنا فى غيبة قائمنا، اعطاه اللّه أجر ألف شهيد مثل شهداء بدر و اُحد»؛62 هر كس در زمان غيبت قائم عليه‏السلامبر ولايت ما (اهل‏بيت) پايدار بماند، خداوند ثواب هزار شهيد مانند شهداى بدر و احد را براى او عطا كند.

از اين‏گونه روايات زيادند و از مجموع آنها پاداش منتظران مهدى عليه‏السلام به روشنى قابل استفاده است. عناوين برترين عمل، برترين عبادت و تشبيه منتظران به ياران آن حضرت همه حاكى از بزرگى ثواب و پاداشى است كه خداوند به آنان خواهند داد. نكته تربيتى اين موضوع در آن است كه شيعيان و مهدى‏باوران سعى كنند خود را واجد شرايط احراز چنين پاداشى را بنمايند. اگر توفيق آن را بيابند كه در شمار منتظران واقعى مهدى‏موعود قرار بگيرند، آن‏گاه به فوز عظيم و سعادت ابدى نايل خواهند شد.

وظايف تربيتى نسبت به مهدويت

وظايف فردى و اجتماعى انسان در زمينه مهدويت متعدد است و هر كس به اندازه توان خويش بايد بدان توجه نموده، به انجام آن بپردازد. در اين نوشتار، به منظور تسهيل در ارائه مطالب، وظايف تربيتى نسبت به مهدويت را به سه دسته تقسيم نموده و به بررسى هريك از آنها مى‏پردازيم.

الف. وظايف تربيتى فرد

در شرايط حساس كنونى كه مردم جهان در غيبت امام مهدى عليه‏السلامبه سر مى‏برند و انواع شبهات و پرسش‏هايى پيرامون مهدويت مطرح و هر روز بر حجم آن افزوده مى‏شود، وظايف سنگينى به عهده افراد مؤمن و معتقد به ظهور مهدى موعود عليه‏السلام قرار دارد. منظور از وظايف تربيتى فرد در اين نوشتار، امورى است كه متوجه خود فرد هستند و او بدون توجه به ديگران بايد به تحصيل و فراگيرى آنها اقدام نمايد. اگر اقدامى در اين زمينه انجام داد يقينا در شخصيت او تأثير خواهد گذاشت؛ چه در جنبه انديشه و عقيده، چه در بعد عاطفى و روانى و چه در زمينه رفتار و عملكرد فرد.

1. تقويت باور به مهدويت: همان‏گونه كه پيشتر اشاره شد، مهدويت از يك مكتب، ايده و انديشه عميق حكايت دارد كه مبتنى بر دلايل محكم و متقن عقلى و نقلى است. اين موضوع در علم كلام به تفصيل مورد بحث و بررسى قرار گرفته كه علاقه‏مندان مى‏توانند به منابع مربوطه مراجعه نمايند.63 مقصود از تقويت باور به مهدويت آن است كه افراد اگر ترديد يا شبهاتى در اين زمينه در ذهن دارند يا با پرسش‏هايى مواجه هستند، بايد درصدد رفع آن برآيند؛ چراكه انديشه و باور نقش اساسى در شكل‏گيرى شخصيت و چگونگى رفتار انسان دارد. كسى منتظر آمدن مهمان يا شخصيت ديگرى خواهد بود كه باور به آمدن او داشته باشد، وگرنه منتظر واقعى نخواهد بود؛ چه اينكه رابطه عميقى ميان باور و عمل برقرار مى‏باشد و ايمان درونى است كه انسان را به رفتار نيكو جهت مى‏دهد.64 از اين‏رو، باور به وجود مهدى عليه‏السلام انگيزه فرد را در انتظار به ظهور آن حضرت تقويت مى‏كند. اگر مهدويت‏باورى قوى شد، تحولى در رفتار منتظران نيز پديد خواهد آمد.

2. خودسازى براى ظهور مهدى: علّامه طباطبائى در زمينه لزوم خودسازى مى‏فرمايد: «اگر كسى بخواهد رستگار شود، بايد باطن خود را تزكيه كند و آن را با پرروش صالح بپروراند و رشد دهد، با تقوا بيارايد و از زشتى‏ها پاك كند، وگرنه از سعادت و رستگارى محروم ماند. هر قدر بيشتر آلوده‏اش كند، كمتر بيارايد، محروميتش بيشتر شود.»65 روشن است كه انسان آلوده و محروم از عنايت بارى‏تعالى، نمى تواند راهى به سعادت ابدى داشته باشد. مدعى انتظار فرج مهدى عليه‏السلام از همه شايسته‏تر است كه به خودسازى بپردازد و افكار و رفتار خويش را پالايش دهد تا راهى به اردوگاه او بيابد. بنابراين، از وظايف مهم تربيتى فرد در زمان غيبت امام زمان عليه‏السلام، توجه به تزكيه نفس و پرورش بعد اخلاقى و رفتارى خويش است؛ زيرا به فرموده خداى سبحان، تنها صالحان و پارسايان راهى به اردوگاه ياران مهدى عليه‏السلامخواهند داشت؛ چه اينكه او اصحاب آن حضرت را «عبادى الصالحون»66 مى‏خواند؛ آنان بندگان صالح من هستند. عبوديت و شايستگى حاصل نمى‏شود، مگر با تزكيه نفس و خودسازى.67

3. آمادگى براى ظهور مهدى: از وظايف مهم فرد آمادگى براى ظهور مهدى عليه‏السلام و قرار گرفتن در كنار آن حضرت است. هر فرد وظيفه دارد خود را آماده پيوستن به ياران مهدى سازد و اين امر حاصل نمى‏شود، مگر با قطع تعلّقات به ماديات و زير پا نهادن هواهاى نفسانى و تعهد به ارزش‏هاى دينى، چراكه وابستگى به دنيا آدمى را زمين‏گير مى‏كند و توان عبور از لذت‏هاى مادى را از انسان سلب مى‏نمايد. قرآن كريم درباره دل‏بستگى به دنيا مى‏فرمايد: «وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَـكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ.» (اعراف: 176) منظور اين است كه هر فرد روحيه عبور از ماديات و پشت سر نهادن آنها را داشته باشد، به نحوى كه الآن اگر منادى ندا دهد: «هذا امامكم فاتبعوه»؛ بلافاصله حركت كند، نه اينكه امروز و فردا كند و بگويد: كارها را رديف كنم، بعدا خدمت امام مى‏رسم!

4. دعا براى ظهور مهدى: واژه «دعا» به معانى گوناگونى همچون صدا زدن، ندا دادن، درخواست كردن، دعوت كردن و امثال آن آمده است.68 دعا در زبان قرآن و حديث به معناى خواندن و طلب كردن حاجت از خداى تبارك و تعالى‏است. خداوند در قرآن كريم درباره دعا دستورات متعدد دارد و انسان‏ها را به ارائه خواسته‏هاى درونى‏شان به آفريدگار خويش فرامى‏خواند و به آنان وعده استجابت مى‏دهد. در اين مورد مى‏فرمايد: «وَقَالَ رَبُّكُمُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (غافر: 60)؛ پروردگار شما گفته است: مرا بخوانيد تا (دعاى) شما را بپذيرم.

از مواردى كه دعا در آن سفارش شده، دعا براى سلامت و تعجيل ظهور امام مهدى عليه‏السلاماست. روايات واردشده در اين زمينه، به شيعيان دستور مى‏دهند كه براى آن حضرت دعا كنند و از خداوند اصلاح امر فرج او را بخواهند. در توقيعى كه از ناحيه آن حضرت به يكى از نوابش به نام محمّدبن عثمان عمرى صادر شده، ضمن بيان برخى از احكام و ارائه دستورات، در مورد ظهورش به وى مى‏فرمايد: «و أكثروا الدعاء بتعجيل الفرج، فإن ذلك فرجكم»؛69 براى تعجيل ظهور مهدى عليه‏السلام زياد دعا كنيد؛ چراكه فرج او فرج شماست.

دعاهاى فراوانى در كتب ادعيه نقل شده‏اند كه مسلمانان در زمان غيبت بايد آنها را بخوانند و ظهور مهدى عليه‏السلام را از خدا بخواهند. امام مهدى نيز خود دعاهايى را به دوستانش تعليم داد تا در گرفتارى‏ها بخوانند. از جمله دعاى «عظم البلاء» را به يك زندانى آموزش داد و او با خواندن آن، از زندان آزاد گشت.70 دعاهاى زيادى از امامان معصوم عليهم‏السلام و از شخص امام مهدى عليه‏السلامنقل شده كه در زمان غيبت بايد خواند و براى تعجيل ظهور آن امام دعا كرد. وظيفه پدر و مادر است كه دعاى ندبه، دعا براى سلامتى امام زمان عليه‏السلام و زيارت‏هايى مانند زيارت «آل يس» را كه نسبت به آن بزرگوار وارد شده‏اند71 به فرزندان تعليم دهند.

5. برنامه‏ريزى براى ظهور مهدى عليه‏السلام: برنامه‏ريزى، تدابيرى است آگاهانه، حساب شده، جهت‏دار و منطقى به منظور استفاده بهينه از منابع موجود براى نيل به اهداف موردنظر.72 برنامه‏ريزى فرايندى است آگاهانه، هدفمند و داراى مراحلى كه بر اساس امكانات و نيروهاى مؤثر در آن، به قصد نيل به اهدافى از پيش تعيين‏شده طرح‏ريزى مى‏شود. روشن است كه برنامه‏ريزى براى فعاليت‏هاى آينده صورت مى‏گيرد و برنامه‏ريزان، آينده بسيار دور را در نظر گرفته براى آن برنامه‏ريزى مى‏كنند؛ مانند برنامه‏هاى درازمدت حكومت‏ها در زمينه مسائل سياسى و اقتصادى و امثال آن.

برنامه‏ريزى اختصاص به امور اجتماعى و كشورى ندارد، بلكه امور فردى و خانوادگى را نيز فرامى‏گيرد. در مورد ظهور مهدى عليه‏السلام نيز مى‏توان برنامه‏ريزى كرد و هركس براى خودش تعيين زمان كند و بخشى از وقتش را به امام مهدى عليه‏السلام اختصاص دهد؛ مثلاً، يك ساعت در شبانه‏روز يا سه ساعت و يا يك روز در هفته، به ويژه روزهاى جمعه، در زمينه قيام مهدى عليه‏السلام بينديشد كه اگر صبح روز بعد ظهور كند، چه امورى را بايد در اولويت كارى خويش قرار دهد؟ اگر اين كار گسترش يابد و هركس نسبت به امام مهدى عليه‏السلام و ظهور آن حضرت برنامه‏اى را تنظيم كند، در مجموع همه مردم آمادگى ظهور را پيدا خواهند كرد.

6. عهد و پيمان با امام زمان عليه‏السلام: وظيفه همه شيعيان اين است كه عهد و پيمان قلبى با امام زمان عليه‏السلام ببندند و خود را در خدمت او بيبنند و وظايفى را كه در عصر غيبت به عهده دارد به خوبى انجام دهند. هرچند آن قافله‏سالار عالم انسانيت و جهان هستى از نظرها پنهان است و دست ما از دامان او كوتاه است، ولى مى‏توان با او ارتباط معنوى برقرار كرد. چنان‏كه در دعاى ندبه و دعاى عهد از خدا مى‏خواهيم كه ما را در زمره ياران و پيروان مهدى عليه‏السلامقرار دهد و توفيق شهادت در ركاب او را عنايت كند؛ پيوند ما با آن حضرت را محكم سازد و از چنگ زنندگان به دامان او قرار دهد؛ يعنى با دل و جان متعهد شويم كه ارتباط با مهدى عليه‏السلامرا لحظه‏اى قطع نكنيم و روزى كه آمد به خدمت او بشتابيم.73

چنين عهد و پيمانى انسان را وامى‏دارد تا در صراط مستقيم گام برداشته، از امامش دور نگردد. اگر به اين روند ادامه داد و براى جلب نظر آن حضرت كارهاى شايسته انجام داد، آن‏گاه در زمره ياران مهدى عليه‏السلام قرار خواهد گرفت. على عليه‏السلام درباره توصيف ياران مهدى عليه‏السلامفرمود: «لايبقى مؤمن إلا صار قلبه أشد من زبر الحديد و أعطاه اللّه تعالى قوة اربعين رجلاً»؛74 در عصر ظهور مهدى عليه‏السلامقلب مؤمن همانند پاره آهن محكم و استوار مى‏گردد، به گونه‏اى كه توان چهل مرد را خداوند به او عنايت مى‏كند.

ب. وظايف تربيتى خانواده

خانواده نسبت به زمينه‏سازى ظهور مهدى عليه‏السلاموظايف سنگينى به عهده دارد كه بايد بدان توجه كرد؛ چراكه خانواده كانون اصلى تعليم و تربيت است و مى‏تواند ارزش‏هاى اسلامى را به نسل جوان ارائه دهد. مهم‏ترين ارزش، پرورش فرزندان با فرهنگ مهدويت و آشناسازى آنان با امام زمان عليه‏السلاماست. در اين فراز از گفتار به مسئوليت‏هاى تربيتى خانواده و بخصوص پدر و مادر در زمينه‏سازى ظهور مهدى عليه‏السلام اشاره‏اى گذرا خواهيم داشت.

1. آشناسازى فرزندان با مهدويت: خانواده نخستين مركز تعليم و تربيت است؛ جايى كه آموزش‏هاى دينى و اجتماعى به صورت مستقيم و غيرمستقيم به كودكان ارائه مى‏گردد. كارشناسان تعليم و تربيت همگان بر اهميت نهاد خانواده و اثرگذارى پدر و مادر بر تربيت فرزند اذعان داشته و بر تقويت آن تأكيد كرده‏اند؛75 چه اينكه فضاى حاكم بر خانواده، شيوه‏هاى برخورد اعضاى خانواده با يكديگر، آداب و فرهنگ و همه شئون زندگى خانوادگى بر رفتار فرزند تأثير مى‏گذارند.76 خانواده وظايف متعددى نسبت به فرزند دارد و بخصوص از نظر دينى و مذهبى بايد به پرورش وى اهتمام ورزد.

از وظايف مهم خانواده در عصر غيبت كبراى امام زمان عليه‏السلامآشناسازى فرزندان با مهدى عليه‏السلام است؛ آشناسازى با نام و مشخصات ظاهرى آن حضرت، آشناسازى با ويژگى‏هاى شخصيتى و تبيين فضايل و مناقب و بركات وجودى آن بزرگوار براى مردم و امثال آن. براى مثال تبيين اينكه رزق و روزى مردم به بركت وجود امام زمان عليه‏السلاماست، او عدالت‏خواه است و حكومت عادلانه برقرار مى‏كند، نمازگزاران را دوست دارد، به كودكان علاقه‏مند است، كسانى را كه به پدر مادر نيكى كنند و احترام بگذارند دوست دارد و در يك جمله، او مظهر همه خوبى‏هاست. اگر خانواده چنين كارى انجام دهد، ايمان به آن حضرت در قلب فرزندان نهادينه مى‏شود؛ زيرا پدر و مادر باتوحه به نفوذ كلامى كه دارند و از اعتبار بالايى نزد فرزندان برخوردار هستند، مى‏توانند معارف اهل‏بيت عليهم‏السلام و بخصوص اطلاعات لازم براى شناخت امام زمان عليه‏السلام را در اختيار آنان قرار دهند. در اين صورت، فرزندانى صالح و محب امام زمان عليه‏السلام پرورش داده تحويل جامعه خواهند داد.

2. شركت دادن فرزندان در مراسم مهدىعليه‏السلام: يكى از وظايف تربيتى خانواده در ارتباط با آشناسازى فرزندان با فرهنگ مهدى عليه‏السلام، سهيم كردن آنان در مراسمى است كه به نام آن حضرت برگزار مى‏گردد. بخصوص كودكان و نوجوانان در اين امر، از اولويت برخوردارند و پدر و مادر بايد آنها را در جشن‏هاى نيمه شعبان كه هر سال به ياد مهدى عليه‏السلام برگزار مى‏شوند، شركت دهند. كودكان معمولاً از مادر بيشتر تأثير مى‏پذيرند؛ چون او از نظر عاطفى مهر و محبت افزون‏تر به فرزند دارد؛ بر اين اساس، مسئوليت وى در تربيت فرزند و آشناسازى اولاد با اهل‏بيت عليهم‏السلام و بخصوص حضرت مهدى عليه‏السلام بيش از ديگران است.77

3. تربيت فرزند با اخلاق مهدىعليه‏السلام: اخلاق مهدى عليه‏السلام در حقيقت، همان اخلاق قرآنى و رفتار نبوى و علوى و فاطمى است كه اينك همه اينها در وجود آن حضرت تجسّم يافته‏اند؛ زيرا مهدى عليه‏السلاموارث انبيا و وارث اولياى الهى است و همه خوبى‏هاى آنان به او منتقل شده است. رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏و‏آله درباره مهدى عليه‏السلاممى‏فرمايد: «أَشْبَهُ النَّاسِ بِى خَلْقا وَ خُلْقا»؛78 او از نظر صورت و سيرت شبيه‏ترين مردم به من است. ابى‏بصير از امام صادق عليه‏السلامروايت كرده است كه آن حضرت فرمود: «إِنَّ فِى صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ سُنَنا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ»؛79 همانا در صاحب اين امر (امام مهدى)، سنت‏هايى از انبياست. بر اين اساس، اخلاق مهدى عليه‏السلام جامع اخلاق پيامبران و اوصياى آنهاست و اين اخلاق را بايد به فرزندان منتقل كرد و بهترين فضا براى انجام آن، محيط خانواده مى‏باشد. پدر و مادر بايد با روش الگويى عملاً صداقت، وفادارى، امانت‏دارى، عدالت‏خواهى، حق‏طلبى، ظلم‏ستيزى و ديگر ارزش‏هاى اخلاقى را به فرزندان بياموزند.

ج. وظايف تربيتى حكومت

شكى نيست كه نهاد حكومت بيش از ديگران در مورد زمينه‏سازى ظهور مهدى عليه‏السلاممسئوليت دارد و بايد حاكمان به وظيفه خود عمل كنند. دولت اسلامى اگر فعاليت جدى از خود نشان دهد، نقش زيادى در اين زمينه مى‏تواند ايفاد كند؛ چراكه فرمان رئيس دولت در سراسر قلمرو حكومتش نافذ است و ضمانت اجرايى دارد. بعكس، اگر فرد و خانواده اقدامى داشته باشند، بسيار محدود است و در فضاى خانواده كاربرد دارد، نه بيشتر. در اين بخش از نوشتار به وظايف حكومت اشاره‏اى گذرا خواهيم داشت.

1. آماده‏سازى براى ظهور مهدىعليه‏السلام: آماده‏سازى براى ظهور مهدى موعود لازم است و اقدامات عملى در جهت تحقق مهدويت ضرورت اجتناب‏ناپذير دارد. چنان‏كه از فلسفه‏هاى غيبت طولانى مهدى عليه‏السلام آماده شدن جهان براى ظهور آن حضرت است. شرايط حاكم بر جهان بايد به گونه‏اى باشد كه هركس آرزوى ظهور منجى را دارد مورد حمايت قرار بگيرد. اين آمادگى به دنبال ناكامى‏هاى متوالى مكتب‏ها و نظام‏هاى اجتماعى و سياسى جهان پديد مى‏آيد؛ زيرا در هر جاى دنيا برنامه‏هايى به منظور برقرارى عدالت طراحى و به اجرا گذارده مى‏شود كه در عمل به گسترش ظلم و بى‏عدالتى منجر مى‏گردد. در چنين اوضاع و احوالى، مردم از تمدن‏هاى حاكم بر جهان به ستوه آمده، ظهور يك منجى الهى را در دل مى‏پروانند و شب و روز انتظار قدوم او را دارند. اينجاست كه روحيه پشتيبانى از مهدى عليه‏السلام تقويت و مردم هر روز بيش از گذشته خود را براى ظهور آن حضرت آماده مى‏سازند.80 بدين‏سان، وظيفه حكومت اسلامى است كه مردم را براى چنين روزى آماده سازد. به فرموده برخى از بزرگان، «اصلى‏ترين وظيفه ما در زمان غيبت اين است كه چنان لياقت و ظرفيتى در خود و جامعه خويش پديد آوريم كه هر لحظه براى ظهور حضرتش آماده باشيم.»81 اين كار وظيفه حكومت است كه بايد فعاليت‏هاى سياسى و اجتماعى را بدان سو جهت دهد.

2. فرهنگ‏سازى براى مهدويت: هرچند فرهنگ به معناى عام آن، داراى عناصر عينى و ذهنى و مادى و معنوى فراوانى‏است كه در يك جامعه وجود دارد و از نسلى به نسل ديگر منتقل مى‏شود،82 ولى پسوند «سازى» مفهوم آن را محدودتر و افزودن «مهدويت» قلمرو فرهنگ‏سازى را مشخص مى‏كند؛ بدين معنا كه باورها، ارزش‏ها، اميدها و انتظار به مهدى عليه‏السلام را وارد زندگى آن مردم مى‏كند. فرهنگ‏سازى به معناى آشناسازى مردم با فرهنگ مهدويت، دامنه وسيع و گسترده‏اى دارد، به نحوى كه همه فعاليت‏هاى مرتبط با مهدى عليه‏السلام را فرامى‏گيرد؛ از جمله فعاليت‏هاى فردى. و هركس هر كارى در زمينه معرفى امام زمان عليه‏السلام و برنامه‏هاى او انجام دهد، مشمول فرهنگ‏سازى مهدويت خواهد بود. فعاليت‏هاى نوشتارى، مطبوعاتى، هنرى، سمعى و بصرى، تبليغاتى و امثال آن، همه بر محور ترويج فرهنگ مهدويت در حوزه فرهنگ‏سازى قرار مى‏گيرند.

از اين ميان، نهاد حكومت به دليل وسعت قلمرو و دايره فرمان‏روايى، بيش از گروه‏هاى كوچك فرهنگى و هنرى مى‏تواند در مورد امام زمان عليه‏السلامفرهنگ‏سازى كند. شيوه‏هاى گوناگونى براى فرهنگ‏سازى وجود دارند كه مهم‏ترين آنها فعاليت‏هاى رسانه‏اى است. دولت با استفاده از رسانه ملى و يا هر ابزار مناسبى كه در اختيار دارد، در ارتباط با مهدى عليه‏السلام، مى‏تواند به خوبى مردم را با آن حضرت آشنا سازد. مثلاً، ترسيم آينده درخشان عصر ظهور و برقرارى حكومت مهدى عليه‏السلام مى‏تواند عامل جذب توده‏هاى مردم به مهدى عليه‏السلام گردد. در اين زمينه، آيات و روايات فراوانى وجود دارند كه با تبيين و تحليل درست آنها يا تدوين فيلم‏نامه‏هاى مناسب بر محور متون اسلامى، مى‏توان به اين كار پرداخت.

در روايت مفضل از امام صادق عليه‏السلامآمده است كه آن حضرت فرمود: «إذا قام قائمنا تظهر الارض كنوزها حتى يراها الناس على وجهها و يطلب الرجل منكم من يصله بماله و يأخذ منه زكاته، فلايجد أحدا يقبل منه ذلك لاستغناء الناس بمارزقهم اللّه من فضله»؛83 زمانى كه قائم ما قيام كند، زمين ذخايرش را بيرون مى‏اندازد تا در معرض استفاده مردم قرار گيرند. مردم از همديگر مى‏پرسند: با چه كسى صله رحم كنيم و زكات را به كه بدهيم؛ كسى را نمى‏يابند كه از او قبول كند؛ چون همه مردم از فضل خداوند در غناى كامل زندگى مى‏كنند. تصوير چنين فضايى يقينا تأثير بسزايى بر مخاطبان مى‏گذارد.

3. پرورش نيروهاى مؤمن براى يارى مهدى عليه‏السلام: طبق روايات ظهور مهدى عليه‏السلام، حضرت اغلب ياران خود را از نيروهاى موجود در اين جهان تشكيل خواهند داد. همان‏گونه كه رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏و‏آله با همكارى يارانى كه از نقاط مختلف جهان نزد آن حضرت گرد آمده بودند، قيام كرد و به تربيت مردم پرداخت. طبيعى است كه آماده‏سازى چنين نيروهايى مستلزم برنامه‏ريزى‏هاى درست در ارتباط با تربيت افراد مؤمن و فداكار براى يارى آن حضرت مى‏باشد. اين امر، از عهده هيچ فرد يا نهادى برنمى‏آيد، جز حكومت اسلامى كه دولت مهدى عليه‏السلامباور مى‏تواند با فراهم‏سازى مقدمات، گام‏هايى در اين زمينه بردارد. بنابراين، مهم‏ترين وظيفه حكومت دينى پس از فرهنگ‏سازى، پرورش نيروهاى مؤمن براى يارى مهدى عليه‏السلام و قرار گرفتن در كنار اوست. اگر همه كشورهاى اسلامى به چنين كارى اقدام كنند، آرزوى ديرينه ظهور منجى جهانى محقق خواهد شد. البته، ياران واقعى مهدى عليه‏السلام كه در اثر خودسازى و عمل به دستورات الهى بدان مقام رسيده‏اند، هر زمان در سطح جهان وجود دارند ولى كسى آنها را نمى‏شناسند.

براساس روايات اسلامى، اصحاب مهدى عليه‏السلامجاى خاصى ندارند و به صورت ناشناخته در نقاط مختلف جهان زندگى مى‏كنند و هرگاه ظهور محقق شد، نزد آن حضرت حاضر مى‏شوند. امام صادق عليه‏السلاممى‏فرمايد: «إذا اُذن الامام دعا اللّهَ باسمه (اى باسم اللّه الاعظم) فاُتيحت له صحابته و هم اصحاب الأَلوية»: «فمنهم من يفتقد عن فراشه ليلاً، فيصبح فى مكة و منهم من يرى يسير فى السحاب نهارا»؛84 هرگاه به امام مهدى عليه‏السلام اذن ظهور داده شود، خدا را به اسم اعظمش مى‏خواند، آن‏گاه يارانش نزد او حاضر مى‏شوند و آنها صاحبان پرچم هستند. برخى آنها شب در بستر مى‏خوابند و صبح در مكه حضور دارند و بعضى روز سوار بر ابرها خدمت امام عليه‏السلام مى‏رسند.

4. تلاش در تأمين عدالت اجتماعى: يكى ديگر از وظايف مهم حكومت اسلامى در عصر غيبت، ايجاد عدالت در جامعه است كه اين امر مى‏تواند زمينه‏ساز ظهور مهدى عليه‏السلام باشد؛ زيرا براساس روايات معصومان عليهم‏السلام، قيام مهدى عليه‏السلام عدالت‏محور است و در حكومت آن حضرت عدالت واقعى و جهانى محقق مى‏گردد. اگر دولتى بخواهد در زمينه فراهم‏سازى مقدمات ظهور مهدى عليه‏السلامفعاليت كند، بايد عدالت‏محور و عدالت‏گستر باشد. احاديث در اين زمينه متعدد است و همه معصومان عليهم‏السلام هدف عمده نهضت مهدى عليه‏السلام را رهايى انسان‏ها از ظلم و فساد معرفى مى‏كنند. جابربن عبداللّه انصارى از رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏و‏آله روايت كرده است كه آن حضرت فرمود: «المهدى من ولدى اسمه اسمى و كنيته كنيتى، أشبه الناس بى خلقا و خلقا تكون له غيبة و حيرة تضل فيه الامم، ثم يقبل كالشهاب الثاقب و يملأها عدلاً و قسطا كما ملئت ظلما و جورا»؛85 فرزندم مهدى عليه‏السلامهم‏نام و هم‏كنيه و از نظر آفرينش و اخلاق شبيه‏ترين مردم به من است. او غيبت طولانى خواهد داشت كه بسيارى در آن زمان گمراه خواهند شد. آن‏گاه مانند شهاب ثاقب ظهور كرده، جهان را پر از عدل و داد خواهد كرد، پس از آنكه از ظلم و جور آكنده شده است.

از اين‏گونه روايات برمى‏آيد كه برقرارى عدالت، محور اصلى قيام مهدى عليه‏السلام است و آن حضرت براى مبارزه با ظلم و ستم مبارزه مى‏كند. بر اين اساس، تلاش براى استقرار عدالت اجتماعى يارى رساندن به نهضت مهدى عليه‏السلام و در واقع، زمينه‏سازى ظهور آن حضرت است؛ چراكه مهدى عليه‏السلام از فساد و بى‏عدالتى رنج مى‏برد و هم‏اكنون نيز حامى كسانى است كه در مسير عدالت و رفع ظلم از جهان حركت مى‏كنند. كمك‏هاى امام زمان عليه‏السلام در گرفتارى‏هاى مسلمانان و شيعيان بسيار روشن است و نمونه‏هاى متعددى‏ازامدادهاى‏آن حضرت در حل مشكلات مختلف مردم به اثبات رسيده. به هر صورت، اجراى عدالت در جامعه زمينه‏سازى براى ظهور مهدى عليه‏السلاماست.

5. جلوگيرى از خرافات در باب مهدويت: منظور از خرافات، افكار و انديشه‏هاى نادرست نسبت به مهدويت است كه رفتارهاى انحرافى را در پى دارد. باورهاى انحرافى در باب مهدويت از دير زمان وجود داشته و افرادى ادعاى مهدويت مى‏كردند و بدين وسيله مريدانى را جذب نموده، به مال و منالى دست مى‏يافتند. نمونه‏هاى بسيارى از اين‏گونه افراد در طول تاريخ بوده‏اند و امروزه نيز هر از چندگاه كسانى چنين داعيه‏هايى را مطرح و خود را مهدى آخرالزمان قلمداد مى‏كنند.86 اگرچه مقابله با اين افراد وظيفه عموم مردم و به ويژه روحانيت است، ولى حكومت اسلامى بيش از همه در اين مورد مسئوليت دارد؛ چراكه حكومت به آسانى مى‏تواند مدعيان مهدويت را سركوب نمايد و مردم را از دام آنها برهاند. خرافات در باب مهدويت به همين اندازه محدود نمى‏شود، بلكه انواعى گوناگون دارد؛ گاه برخى ادعاى ملاقات با مهدى عليه‏السلام را سر مى‏دهند و گاه كارهايى نظير شفا دادن بيماران و امثال آن را تبليغ مى‏كنند. جلوگيرى از اين‏گونه فعاليت‏هاى خرافى كه ادعايى بيش نيست، وظيفه حكومت دينى است. دستگاه اطلاعاتى دولت با جمع‏آورى اطلاعات دقيق و كافى از مخفيگاه‏ها، مراكز و تشكيلات مدعيان و خرافه‏گران مهدويت، قادر خواهد بود آنها را از ريشه متلاشى سازد.

6. جلوگيرى از افراط‏گرايى در باب مهدويت: در بسيارى از شهرها، محله‏ها، مناطق روستايى و جاهاى مختلف، برخى رفتارهاى افراط‏گرايانه نسبت به مهدويت وجود داشته و دارد كه مناسب نيست چنين رفتارهايى از پيروان مهدى عليه‏السلام صادر شود. البته افراط‏گرايى در باب مهدويت جدا از خرافات نيست، بلكه نوعى رفتار خرافى‏است كه از افراد خاصى با توجيه دينى صورت مى‏گيرد؛ براى مثال، ادعاى تعيين زمان يا مكان براى ظهور حضرت و ادعاى اينكه آن حضرت در تاريخ مشخص و مكانى، غير از آن مكان‏هايى كه در بعضى روايات آمده،87 ظهور مى‏كند. يا اينكه بجز شخصيت‏هايى كه در روايات به عنوان اصحاب امام مهدى عليه‏السلامنام برده شده (مانند حضرت عيسى عليه‏السلام)،88 افرادى را در زمره ياران آن حضرت قلمداد كنند. اين‏گونه اظهارنظرها در باب مهدويت، افراط‏گرايى‏است و برخلاف صريح روايات معصومان عليهم‏السلام مى‏باشد؛ زيرا احاديث مهدويت با صراحت بيان مى‏دارند كه زمان ظهور حضرت را كسى نمى‏داند، جز خداى تبارك و تعالى. هر زمان مشيّت خداى متعال اقتضا كند، قيام مهدى عليه‏السلام محقق خواهد شد.

احاديث در زمينه نامشخص بودن زمان ظهور مهدى عليه‏السلامفراوانند و از مجموع آنها چنين برمى‏آيد كه هيچ كس و حتى خود آن بزرگوار از زمان دقيق ظهور اطلاع ندارند. از اين‏رو، در سخنان معصومان عليهم‏السلام آمده است كه براى اصلاح فرج مهدى عليه‏السلام دعا كنيد تا خداوند امر ظهور او را اصلاح نمايد.89 فضيل بن يسار گفت: به امام محمّدباقر عليه‏السلامگفتم: آيا براى اين امر وقتى تعيين شده است؟ فرمود: «كذَب الوقّاتون، كذَب الوقّاتون، كذَب الوقّاتون»؛90 كسانى كه براى ظهور تعيين وقت كنند، دروغ مى‏گويند. و اين جمله را سه بار تكرار كرد. در يكى از توقيعات منسوب به امام زمان عليه‏السلامآمده است كه آن حضرت فرمود: «واما ظهور الفرج فإنه الى اللّه عزوجل»؛91 ظهور فرج منوط به اذن خداى ـ عزوجل ـ است. همچنين در توقيعى به آخرين نماينده خاصش على‏بن محمّد سمرى فرمود: «فقد وقعت الغيبة التامة، فلاظهور إلا بعد إذن اللّه تعالى ذكره و ذلك بعد طول الأمد و قسوة القلوب و امتلاء الارض جورا»؛92 غيبت كامل واقع شد؛ ديگر ظهورى نخواهد بود، مگر پس از اذن خداى متعال. اين امر بعد از مدت طولانى هنگامى خواهد بود كه مردم دچار قساوت قلب و زمين پر از ظلم و ستم گردند. اگر خدا بخواهد امر فرج مهدى عليه‏السلامرا يك شبه اصلاح خواهد كرد. رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏و‏آلهمى‏فرمايد: «المهدى منّا اهل‏البيت يصلحُهُ اللّه عزوجل فى ليلة»؛93 مهدى عليه‏السلام از ما خاندان است و خداوند ـ عزوجل ـ كار قيام او را در يك شب اصلاح مى‏كند.

بر اين اساس، ابراز نظر بى‏جهت در مورد امام زمان عليه‏السلام و تعيين وقت براى ظهور آن حضرت، به هيچ وجه درست نيست و اگر كسانى به اين‏گونه شايعات بپردازند برخلاف روايات معصومان عليهم‏السلامعمل كرده‏اند. وظيفه دولت است كه با آنان مبارزه كند و از بروز چنين پيش‏گويى‏هايى جلوگيرى نمايد.

نتيجه‏گيرى

از آنچه بيان گرديد، نتايج ذيل به دست مى‏آيد:

1. مهدويت، امر روشن و قابل تبيين بر اساس قرآن و سنت نبوى است و هيچ ابهامى در آن وجود ندارد؛ چه اينكه على‏رغم القاى شبهات گوناگون، مهدويت‏باورى در طول تاريخ تا به امروز از مسائل زنده دنيا بوده و تمام اديان جهان در انتظار منجى عالم به سر مى‏برند.

2. ديدگاه‏هاى بسيارى در باب مهدويت وجود دارند كه به برخى آنها اشاره شد و عقيده درست به ظهور مهدى عليه‏السلام همان است كه قرآن و سخنان معصومان عليهم‏السلامبدان صراحت دارند.

3. مهدويت‏باورى با تربيت رابطه عميق دارد و آثار تربيتى متعددى بر اين اعتقاد مترتب است؛ نظير اميدبخشى نسبت به امنيت، عدالت، رفع تبعيض و رفاه و آسايش در حكومت مهدى عليه‏السلام.

4. مبانى تربيت رفتار مهدى عليه‏السلام در اداره امور كشور جهانى عبارتند از: قرآن كريم، سيره رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏و‏آله و عدالت‏محورى.

5. انسان به تنهايى، نهاد خانواده و نظام حكومت اسلامى، هركدام به لحاظ تربيتى وظايفى نسبت به زمينه‏سازى ظهور مهدى عليه‏السلامدارند كه بايد به مسئوليت خود عمل كنند تا كم‏كم زمينه قيام آن حضرت فراهم گردد و محرومان جهان از انتظار رهايى يابند.

6. نظر به آثار تربيتى باور به مهدويت و تبيين وظايف فرد، خانواده و حكومت نسبت به آن، پاسخ دو سؤال اصلى و با نقد ديدگاه‏هاى نادرست و بيان نظريه صحيح به دو پرسش فرعى نيز پاسخ داده شد.

··· منابع

ـ آقاتهرانى، مرتضى، سوداى روى دوست، قم، مؤسسه آموزشى و پژوهشى امام خمينى، 1385.

ـ ابن منظور، لسان العرب، بيروت، دارصادر، 1416ق.

ـ اصفهانى، راغب، مفردات الفاظ القرآن الكريم، تحقيق عدنان داودى، قم، طليعه نور، 1428ق.

ـ باقرى، خسرو، «آسيب‏شناسى تربيتى مهدويت»، در: برترين‏هاى فرهنگ مهدويت در مطبوعات، قم، بوستان كتاب، 1382.

ـ بحرانى، سيدهاشم، المحجة فيما نزل فى القائم الحجة، تحقيق محمدمنير ميلانى، بيروت، مؤسسة الوفاء، 1403ق.

ـ جمعى از صاحب‏نظران، تأثير خانواده و مدرسه بر تعليم و تربيت، تهران، انجمن اوليا و مربيان، 1384.

ـ حسينى، سيدمصطفى، معارف معاريف، قم، صدر، 1368.

ـ حسينى مطلق، سيدرضا، راه وصال، قم، پارسايان، 1379.

ـ حكيمى، محمّدرضا، خورشيد مغرب، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامى، چ هشتم، 1373.

ـ خسروشاهى، سيدهادى، مصلح جهانى، تهران، اطلاعات، 1372.

ـ خلخالى، سيد محمّدمهدى، آخرين تحول با حكومت ولى‏عصر (ع)، تهران، آفاق، بى‏تا.

ـ دهخدا، على‏اكبر، لغت‏نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، 1373.

ـ سليمان، كامل، يوم الخلاص، بيروت، دارالكتاب اللبنانى، 1402ق.

ـ سليمانى، خدامراد، درسنامه مهدويت، قم،انصارالحسين، 1385.

ـ صافى گلپايگانى، لطف‏اللّه، منتخب‏الاثر فى الامام الثانى عشر، تهران، مكتبة الصدر، بى‏تا.

ـ ـــــ ، نويد امن و امان، قم، نشر آثار آيت‏اللّه صافى، 1386.

ـ مظفر، محمدحسن، دلائل الصدق، ترجمه محمد سمهرى، تهران، اميركبير، 1386.

ـ طباطبائى، سيد محمّدحسين، الميزان، ترجمه سيد محمّدباقر موسوى، قم، انتشارات اسلامى، بى‏تا.

ـ ـــــ ، شيعه در اسلام، تصحيح محمّدعلى كوشا، قم، دارالتفسير، 1379.

ـ طبرسى، فضل‏بن حسن، اعلام الورى، بيروت، دارالمعرفة، 1399ق.

ـ طوسى، محمّدبن حسن، الغيبة، قم، مؤسسة المعارف الاسلامية، 1411ق.

ـ عك، خالد عبدالرحمان، بناء الاسرة المسلمة، بيروت، دارالمعرفة، 1419ق.

ـ على‏بابايى، غلامرضا، فرهنگ سياسى، تهران، آشيان، 1382.

ـ عوادى نجفى، سيدمهدى، المهدى و آخرالزمان، بيروت، دارالجنون للطباعة، بى‏تا.

ـ فتح‏اللّه، د. وسيم، تربية الطفل للاسلام، بيروت، مؤسسة الرسالة، 1424ق.

ـ قزوينى، سيد محمّدكاظم، الامام المهدى عليه‏السلام، بيروت، منشورات الفجر، 1426ق.

ـ قمى، شيخ عباس، فرهنگ واژگان قرآن كريم، ترجمه غلامحسين انصارى، تهران، اميركبير، 1385.

ـ ـــــ ، كليات مفاتيح‏الجنان، قم، اسوه، بى‏تا.

ـ ـــــ ، منتهى‏الآمال، قم، هجرت، 1373.

ـ گل‏محمدى آرمان، فريده، رسالت جهانى حضرت مهدى عليه‏السلام، قم، دارالنشر اسلام، 1380.

ـ مجلسى، محمّدباقر، بحارالانوار، بيروت، مؤسسه‏الوفاء، 1403ق.

ـ مصباح، محمّدتقى، آفتاب ولايت، قم، مؤسسه آموزشى و پژوهشى امام خمينى، 1383.

ـ ـــــ ، آيين پرواز، تلخيص محمّدجواد محدثى، قم، مؤسسه آموزشى و پژوهشى امام خمينى، 1386.

ـ مصطفوى، حسن، التحقيق فى كلمات القرآن الكريم، تهران، مركز نشر آثار علامه حسن مصطفوى، 1385.

ـ مطهّرى، مرتضى، قيام و انقلاب مهدى عليه‏السلام، تهران، صدرا، 1373.

ـ مقدسى الشافعى السلمى، يوسف‏بن يحيى، عقدالدرر فى احوال المنتظر، تحقيق عبدالفتاح محمد الحلو، قم، نصايح، 1416ق.

ـ مكارم شيرازى، ناصر و همكاران، تفسير نمونه، تهران، دارالكتب الاسلاميه، 1362.

ـ ـــــ ، حكومت جهانى مهدى عليه‏السلام، قم، نسل جوان، 1380.

ـ ناصرى، محمّدامير، الامام المهدى، بى‏جا، المجمع العالمى للتقريب، 1428ق.

ـ نراقى، ملّامهدى، جامع‏السعادات، قم، دارالتفسير، 1381.

ـ نقى‏پور ظهير، على، برنامه‏ريزى آموزشى و درسى، تهران، آگاه، چ بيست و چهارم، 1385.

ـ هاشمى شهيدى، سيداسداللّه، ظهور حضرت مهدى عليه‏السلام، قم، مسجد جمكران، 1384.

\* دانشجوى دكترى قرآن و علوم تربيتى، جامعه‏المصطفى العالميه. دريافت: 20/11/87 ـ پذيرش: 12/4/88.

mohammadehsanni@gmail.com

1ـ سيد محمدمهدى خلخالى، آخرين تحول با حكومت ولى‏عصر عليه‏السلام؛ سيد محمدكاظم قزوينى، الامام المهدى عليه‏السلام؛ كامل سليمان، يوم‏الخلاص؛ سيد اسداللّه هاشمى شهيدى، ظهور حضرت مهدى عليه‏السلام؛ ناصر مكارم شيرازى، حكومت جهانى مهدى عليه‏السلام.

2ـ شيخ عبّاس قمى، فرهنگ واژگان قرآن كريم، ترجمه غلامحسين انصارى، واژه «رب»، ص 93.

3ـ ابن منظور، لسان‏العرب، ماده «ربو».

4ـ راغب اصفهانى، مفردات الفاظ القرآن‏الكريم، تحقيق عدنان داوودى، واژه «رب»، ص 336.

5ـ حسن مصطفوى، التحقيق فى كلمات القرآن الكريم، ج 4، واژه «رب»، ص 22.

6ـ راغب اصفهانى، مفردات، ص 336.

7ـ ر.ك: سيدمصطفى حسينى، معارف معاريف، ج 9، واژه مهدويت، ص 711.

8ـ عليرضا ابراهيم، مهدويت در اسلام و دين زرتشت، ص 9.

9ـ مصداق مهدويت و امام منتظر محمّدبن الحسن العسكرى عليه‏السلاماست كه روايات از رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏و‏آله و ائمه اطهار عليهم‏السلام بر آن فراوانند.

10ـ منظور از ديدگاه‏هاى برون‏دينى نظريه‏ها و انديشه‏هاى بيرون از دين اسلام در ساير اديان است.

11ـ ر.ك: محمّدرضا حكيمى، خورشيد مغرب، ص 52ـ58.

12ـ همان، ص 53.

13ـ همان، ص 55.

14ـ همان، ص 57.

15ـ ر.ك: سيدهادى خسروشاهى، مصلح جهانى، ص 60.

16ـ محمّدباقر مجلسى، بحارالانوار، ج 51، ص 71.

17ـ منظور از درون‏دينى مذاهب و انديشه‏هاى موجود در داخل دين اسلام است.

18ـ البته انديشه مهدويت در مذهب تشيّع مسلّم و يكى از اصول مذهب و دين به شمار مى‏آيد و كتاب‏هاى متعددى در اين زمينه تدوين شده كه نياز به ذكر آنها نيست و بيان نظريات علماى اهل‏سنت مهم است.

19ـ لطف‏اللّه صافى گلپايگانى، نويد امن و امان، ص 78.

20ـ ر.ك: لطف‏اللّه صافى گلپايگانى، منتخب‏الاثر فى الامام الثانى عشر، ص 320.

21ـ مرتضى آقاتهرانى، سوداى روى دوست، ص 17 / لطف‏اللّه صافى، نويد امن و امان، ص 85.

22ـ ر. ك: لطف‏اللّه صافى، نويد امن و امان، ص 238 / مرتضى آقاتهرانى، سوداى روى دوست، ص 18.

23ـ ر.ك: سيدمهدى العوادى النجفى، المهدى و آخرالزمان، ص 7ـ17.

24ـ لطف‏اللّه صافى گلپايگانى، منتخب الاثر، ص 342، ح 10.

25ـ ناصر مكارم شيرازى و همكاران، تفسير نمونه، ج 16، ص 17.

26ـ توبه 33 / صف: 9.

27ـ اعراف: 128.

28ـ مرتضى مطهّرى، قيام و انقلاب مهدى عليه‏السلام، ص 6.

29ـ مادر امام مهدى عليه‏السلام به گفته همه تاريخ‏نويسان «نرجس» خاتون از تبار شمعون وصى عيسى بن مريم بوده است. (ر.ك: شيخ عباس قمى، منتهى الآمال، ص 1093.

30ـ همان، باب چهاردهم، تاريخ حضرت حجه‏ابن الحسن عليه‏السلام، يك جلدى، ص 1092.

31ـ خدامراد سليمانى، درسنامه مهدويت، ص 31.

32ـ صف: 8.

33ـ سيد هاشم بحرانى، المحجة فيما نزل فى القائم الحجة، تحقيق محمّدمنير ميلانى، ص 224.

34ـ يوسف‏بن يحيى المقدسى الشافعى السلمى، عقد الدرر فى احوال المنتظر، تحقيق عبدالفتاح محمّد الحلو، ص 38.

35ـ ر.ك: خسرو باقرى، «آسيب‏شناسى تربيتى مهدويت»، در: برترين‏هاى فرهنگ مهدويت در مطبوعات، ص 33.

36ـ انبياء: 105.

37ـ على‏اكبر دهخدا، فرهنگ لغت، ج 12، واژه «مبنى» / سيد مصطفى حسينى، معارف معاريف، ج 9، ص 69.

38ـ شايد اين‏گونه مباحث درباره مهدى موعود مناسب نباشد، ولى نه از باب تعيين تكليف، بلكه از باب اينكه اين مطالب به عنوان برداشت‏هايى از سخنان معصومان عليهم‏السلام در پاسخ به برخى از سؤالات و شبهاتى كه احيانا در زمينه رفتار آن حضرت خواسته يا ناخواسته از طرف كسانى طرح مى‏شود، ارائه مى‏گردد.

39ـ محمّدباقر مجلسى، بحارالانوار، ج 51، ص 65ـ155.

40ـ «وَنُرِيدُ أَن نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» قصص: 5 مى‏خواهم منت گذاريم بر جماعتى كه ايشان را ستمكاران در زمين ضعيف گردانيده‏اند و بگردانيم ايشان را پيشوايان دين و بگردانيم ايشان را وارثان زمين.

41ـ شيخ عباس قمى، منتهى الآمال، ج 2، ص 754.

42ـ سيد محمّدكاظم قزوينى، الامام المهدى عليه‏السلام، ص 51.

43ـ فضل‏بن حسن طبرسى، اعلام الورى، ص 431.

44ـ همان، ج 13، ص 136.

45ـ همان، ج 25، ص 117.

46ـ مرتضى مطهّرى، قيام و انقلاب مهدى، ص 7.

47ـ مائده: 9.

48ـ توبه: 72.

49ـ نور: 55.

50ـ محمّدباقر مجلسى، بحارالانوار، ج 51، ص 90.

51ـ همان، ص 120.

52ـ ملّا مهدى نراقى، جامع‏السعادات، ج 1، ص 85.

53ـ سيد محمّدحسين طباطبائى، شيعه در اسلام، تصحيح محمّدعلى كوشا، ص 321.

54ـ قصص: 5.

55ـ جابر انصارى از رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏و‏آله روايت كرده است كه آن حضرت فرمود: «المهدى من ولدى اسمه اسمى و كنيته كنيتى، أشبه الناس بى خلقا و خلقا تكون له غيبة و حيرة تضل فيه الامم، ثم يقبل كالشهاب الثاقب و يملأها عدلاً و قسطا كما ملئت ظلما و جورا»؛ فرزندم مهدى هم نام و هم كنيه و از نظر افرينش و اخلاق شبيه‏ترين مردم به من است. او غيبت طولانى خواهد داشت كه بسيارى در آن زمان گمراه خواهند شد. آن‏گاه مانند شهاب ثاقب ظهور كرده جهان را پر از عدل و داد خواهد كرد، پس از آنكه از ظلم و جور آكنده شده است. محمّدباقر مجلسى، بحارالانوار، ج 51، ص 72.

56ـ همان، ص 74.

57ـ همان، ص 74.

58ـ سيد محمّدمهدى خلخالى، آخرين تحول با حكومت ولى‏عصر عليه‏السلام، ص 155.

59ـ محمّدباقر مجلسى، بحارالانوار، ج 52، ص 122.

60ـ همان، ص 122.

61ـ همان، ص 125.

62ـ همان.

63ـ ر.ك: محمدحسن مظفر، دلائل الصدق، ترجمه محمد سمهرى.

64ـ محمّدتقى مصباح، آيين پرواز، تلخيص محمّدجواد محدثى، ص 141.

65ـ سيد محمّدحسين طباطبائى، الميزان، ترجمه سيد محمّدباقر موسوى، ج 2، ص 469.

66ـ انبيا: 105.

67ـ ر. ك: سيد اسداللّه هاشمى شهيدى، ظهور حضرت مهدى عليه‏السلام، ص 209.

68ـ راغب اصفهانى، مفردات الفاظ القرآن، واژه «دعا»، ص 315.

69ـ فضل‏بن حسن طبرسى، اعلام الورى، ص 424.

70ـ سيدرضا حسينى مطلق، راه وصال، ص 80.

71ـ ر. ك: شيخ عبّاس قمى، كليات مفاتيح‏الجنان.

72ـ على نقى‏پور ظهير، برنامه‏ريزى آموزشى و درسى، ص 25ـ26.

73ـ محمّدتقى مصباح، آفتاب ولايت، ص 154.

74ـ محمّدامير الناصرى، الامام المهدى، ص 281.

75ـ ر. ك: خالد عبدالرحمان العك، بناء الاسرة المسلمة، ص 241.

76ـ ر. ك: جمعى از صاحب‏نظران، تأثير خانواده و مدرسه بر تعليم و تربيت، ص 319.

77ـ ر. ك: د. وسيم فتح‏اللّه، تربية الطفل للاسلام، ص 54ـ62.

78ـ محمّدباقر مجلسى، بحارالانوار، ج 51، ص 72.

79ـ همان، ص 224.

80ـ لطف‏اللّه صافى گلپايگانى، نويد امن و امان، ص 143.

81ـ محمّدتقى مصباح، آفتاب ولايت، ص 190.

82ـ غلامرضا على‏بابايى، فرهنگ سياسى، ص 407، واژه «فرهنگ».

83ـ فضل‏بن حسن طبرسى، اعلام الورى، ص 434.

84ـ كامل سليمان، يوم الخلاص، ص 256.

85ـ محمّدباقر مجلسى، بحارالانوار، ج 51، ص 72.

86ـ ر.ك: سيد اسداللّه هاشمى شهيدى، ظهور حضرت مهدى عليه‏السلام، ص 182ـ185.

87ـ حذيفه‏بن يمان از رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏و‏آله نقل كرده است كه آن حضرت فرمود: «يبايع له الناس ببن الركن و المقام، يرداللّه به الدين و يفتح له فتوح، فلايبقى على وجه الارض الا من يقول: لا اله الا اللّه»؛ مردم در خانه خدا بين ركن و مقام با مهدى عليه‏السلامبيعت خواهند كرد. خدا به وسيله او دين را به صورت واقعى‏اش برمى‏گرداند و فتح‏هايى را در اسلام پديد مى‏اورد، به نحوى كه در زمين كسى باقى نمى‏ماند جز آنكه كلمه توحيد را به زبان جارى مى‏كند. (يوسف‏بن يحيى المقدسى الشافعى السلمى، عقد الدرر فى احوال المنتظر، ص 281).

88ـ ابوسعيد خدرى از رسول خدا صلى‏الله‏عليه‏و‏آله روايت كرده است كه آن حضرت فرمود: «منا الذى يصلى عيسى بن مريم خلفه»؛ آن كسى كه عيسى بن مريم عليه‏السلام در پشت سر او نماز مى‏خواند، از ماست. سيد اسداللّه هاشمى شهيدى، ظهور حضرت مهدى عليه‏السلام، ص 347.

89ـ امام صادق عليه‏السلام فرمود: اگر شما شيعيان نيز براى تعجيل فرج ما اينچنين به درگاه خدا دعا و تضرع كنيد، هر آيينه حق تعالى فرج ما را نازل خواهد كرد، ولى اگر چنين نكنيد، اين امر غيبت مهدى ما به نهايت خواهد رسيد. (مرتضى آقاتهرانى، سوداى روى دوست، ص 84).

90ـ محمّدبن حسن طوسى، الغيبة، 426 / محمّدبن يعقوب كلين، كافى، ج 1، ص 368.

91ـ محمّدبن حسن طوسى، الغيبة، ص 291.

92ـ محمّدبن حسن طوسى، الغيبة، 395.

93ـ فريده گل‏محمدى آرمان، رسالت جهانى حضرت مهدى عليه‏السلام، ص 106، به نقل از: محمّدباقر مجلسى، بحارالانوار، ج 36، ص 369.